



وزارت معارف

# تعلیمات مدنی

صنف ۱۰

تعلیمات مدنی - صنف دهم





## سرود ملي

دا عزت د هر افغان دی  
هه بچی یې قهرمان دی  
د بلوخو د ازبکو  
د ترکمنو د تاجکو  
پامیریان، نورستانیان  
هم ايماق، هم پشه ٻان  
لکه لم پرشنه آسمان  
لکه زره وي جاويدان  
وايو الله اکبر وايو الله اکبر

دا وطن افغانستان دی  
کور د سولي کور د توري  
دا وطن د ټولو کور دی  
د پښتون او هزاره وو  
ورسره عرب، گوجردی  
براھوي دی، ټرباش دی  
دا هېواد به تل څلپري  
په سينه کې د آسيا به  
نوم د حق مودی رهبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت معارف

# تعلیمات مدنی

صنف دهم

۱۳۹۸

ه.ش

الف

## مشخصات کتاب

**مضمون:** تعلیمات مدنی

**مؤلفان:** گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تعلیمات مدنی

**ویراستاران:** اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

**صنف:** دهم

**زبان متن:** دری

**انکشاف دهنده:** ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

**ناشر:** ریاست ارتباط و آگاهی عاملہ وزارت معارف

**سال چاپ:** ۱۳۹۸ هجری شمسی

**مکان چاپ:** کابل

**چاپ خانه:**

**ایمیل آدرس:** curriculum@moe.gov.af

حق طبع، توزیع و فروش کتاب‌های درسی برای وزارت معارف جمهوری اسلامی  
افغانستان محفوظ است. خرید و فروش آن در بازار ممنوع بوده و با متخلفان برخورد  
قانونی صورت می‌گیرد.

## پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکنایی را که بر ما هستی بخشدید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتمن برخوردار ساخت، و درود بی پایان بر رسول خاتم - حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و اکشاف آموزش و پژوهش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانواده بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین رو، اصلاح و اکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکر شده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به عنوان تربیت کننده گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پژوهش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس را آغاز کنند، که در آینده نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجدکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفاده بپردازند و خوش چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجданه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موقیت استدعا دارم. با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

# فهرست

## تعلیمات مدنی

۱	فصل اول: فرهنگ
۲	اهداف فصل
۳	فرهنگ
۹	خصوصیات فرهنگ
۱۳	فرهنگ و جامعه
۱۷	فرهنگ‌های کوچک
۲۱	تماس‌های فرنگی
۲۶	خلاصه فصل
۲۷	فصل دوم: گروه‌های اجتماعی
۲۸	اهداف فصل
۲۹	گروه اجتماعی
۳۳	تشکل گروه‌ها
۳۷	رہبری گروه
۴۲	خلاصه فصل
۴۳	فصل سوم: نهادهای اجتماعی
۴۴	اهداف فصل

۴۵	نهاد اجتماعی چیست؟(۱)
۴۹	نهاد اجتماعی چیست؟(۲)
۵۳	نهاد اجتماعی چیست؟(۳)
۵۷	روابط متقابل نهادها
۶۰	خلاصه فصل
۶۱	فصل چهارم: توسعه
۶۲	اهداف فصل
۶۳	توسعه
۶۷	توسعه فرهنگی
۷۱	توسعه اجتماعی-سیاسی
۷۵	توسعه اقتصادی
۷۹	عوامل توسعه و عقب مانده گی
۸۵	توسعه و محیط زیست
۹۱	خلاصه فصل

# فصل اول

## فرهنگ

در این فصل با درس‌های زیر آشنا خواهید شد:

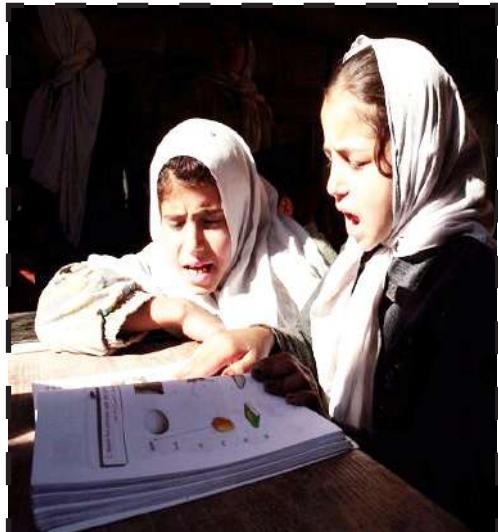
- فرهنگ
- خصوصیات فرهنگ
- فرهنگ و جامعه
- فرهنگ کوچک
- تماس‌های فرهنگی

# اهداف فصل

توقع می‌رود که شاگردان در پایان این فصل بتوانند:

- با اصطلاحات فرهنگ، قواعد، ارزش و جامعه آشنا شوند؛
- عناصر عمدهٔ فرهنگ را فهرست نموده، توضیح داده بتوانند؛
- خصوصیات فرهنگی را توضیح داده بتوانند.
- مفهوم و روند تماس‌های فرهنگی را بشناسند.
- مفهوم فرهنگ کوچک، تضادهای فرهنگی و تهاجم فرهنگی را توضیح دهند.
- فرهنگ ملی را حفظ نموده به پذیرش قوانین، قواعد و ارزش‌های اجتماعی علاقه‌مند شوند.

## فرهنگ



### بحث و گفتگو نمایید

طوری که در زندگی اجتماعی دیده می شود.

- مردم در هر روز سه نوبت غذا می خورند، به طور عموم غذای صبحانه از غذای چاشت تفاوت دارد.
- مردم، فرزندانشان را قبل از شامل شدن به مکتب به مسجد می فرستند تا اساسات تعلیمات دینی را بیاموزند و در سن شش یا هفت ساله‌گی آن‌ها را شامل مکتب می نمایند.
- وقتی دو انسان با هم مقابله می شوند به یکدیگر سلام می دهند، دست یکدیگر را می فشارند و موقع جدا شدن، خدا حافظی می کنند.
- وقتی اشاره ترا فیکی سرخ شد، را ننده موتر را عقب خط پیاده رو متوقف می سازد.
- وقتی عضوی از یک خانواده فوت می کند، برایش مجلس فاتحه‌گیری برگزار می کنند دوستان، آشنایان، خویشاوندان به خانواده عزادار تسلیت می گویند.
- زمانی که غذا خوردن ختم شد، مردم دور دسترخوان دست دعا بلند کرده، شکر خدا را به جا می آورند.

این‌ها چند نمونه از هزاران، نمونه رفتارهایی اند که در مجموع یک فرهنگ را می‌سازند.

حالا به نظر شما:

۱- مردم چرا این کارهارا انجام می‌دهند؟

۲- اگر چنین نکنند با چه مشکلی روبه‌رو می‌شوند؟

انسان‌ها از همان روزهای اول تولد، شروع به یاد گرفتن می‌کنند، به تدریج اعضای خانواده خود را می‌شناسند و سخن گفتن را یاد می‌گیرند. با مهارت‌ها، علوم و قواعد اجتماعی آشنایی پیدا می‌نمایند و زمانی که به سنین بالا می‌رسند با آن‌ها بیشتر آشنا می‌شوند و در جاهای و شرایط مختلف طوری رفتار می‌کنند که جامعه از ایشان توقع دارد و در نتیجه فرهنگ جامعه خود را می‌آموزند.

مردم از طریق فرهنگ می‌توانند، آن مهارت‌ها را یاد بگیرند که برای زنده ماندن و بقای آن‌ها در محیط‌های مختلف طبیعی لازم است؛ به طور مثال: چگونه مواد خوراکی را جمع‌آوری و پخته کنند و چگونه بپوشند و برای خود خانه بسازند؟

تعريف فرهنگ: در فرهنگ‌های زبان، کلمه فرهنگ به معنای پدیده کلی و مجموعه پیچیده‌بی از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است، می‌باشد.

به این ترتیب می‌توان تمام داشته‌های مادی و معنوی یک جامعه را فرهنگ نامید.

### عناصر عمده فرهنگ

در تجزیه و تحلیل مفهوم فرهنگ، می‌توان عناصر پراکنده‌بی را تشخیص داد که هر یکی از آن‌ها در پیدایش فرهنگ و شکل‌گیری آن نقش، سهم و تأثیر دارد. در زیر عناصر عمده فرهنگ را که عبارت اند از: ارزش‌ها، قواعد، باورها، اعتقادها و سمبل‌ها می‌خوانید.

#### ۱- ارزش‌ها

##### بحث نمایید

در باره مطالبی که در زیر ذکر است، بحث نمایید.

۱- احترام به والدین و معلم؛

۲- شفقت و کمک کردن به کودکان و نو جوانان؛

۳- دروغ گفتن و اهانت به دوستان؛

در صورت انجام دادن و یا انجام ندادن این اعمال چه احساسی به شما رخ می‌دهد؟

احترام کردن به معلم و والدین یک ارزش مثبت است. پدر و مادر؛ یعنی والدین برای تان تمام سهولتهای زندگی را میسر می‌سازند.

معلم برای ما علم و مهارت‌های زندگی کردن را می‌آموزاند، معلم در مکتب و در صنف، پدر معنوی شاگردان خود می‌باشد. در دین مقدس اسلام دروغ گفتن و اهانت به دوست و برادر مسلمان گناهی بزرگ پنداشته می‌شود و انسان باید از آن پرهیز کند. ارزش‌ها، می‌تواند منشأهای مختلف داشته باشد؛ یعنی انسان به پدیده‌هایی امتیاز و ارزش می‌دهد که در بسیاری موارد، بتواند احتیاج‌های او را برآورده سازد؛ طور مثال: وقتی شخصی گرسنه است، غذا برایش با ارزش می‌شود. وقتی تشنه باشد، آب برایش ارزش پیدا می‌کند.

اسلام به کارهایی که تشویق نموده و یا دستور صریح داده، آن کار ارزش است و از کارهای که منع کرده است، بی ارزش می‌باشد؛ پس تمام باید ها و نباید های دینی را می‌توان از دید ارزش‌های فرهنگی و بی ارزشی فرهنگی سنجش نمود. در جریان زندگی به تدریج امور خاصی در جامعه برای همه یا اکثر افراد خوب و یا مهم تلقی می‌شود. به طور مثال:

• برای یک ملت، عزت و استقلال؛

• بین دوستان صداقت، صمیمیت و راستگویی؛

• برای مسلمانان خدا پرسنی؛

آنها از تحقق این امور اظهار خوشنودی می‌کنند. هرگاه کسی به این امور توهین کند و یا سد راه تحقق آنها گردد، مورد نارضایتی و عکس العمل افراد جامعه قرار می‌گیرد. به

این امور که به جامعه قابل اهمیت است، ارزش گفته می‌شود؛ بنابر این ارزش معیار معنوی و فرهنگی است که مردم از طریق آن مطلوبیت، جذابیت، زیبایی و خوبی شخص یا چیزی را ارزیابی می‌کنند و آن را رهنمای زندگی اجتماعی خود قرار می‌دهند.

**۲- قواعد:** قواعد از نقطه نظر علم جامعه‌شناسی عبارت از مقررات و طرز‌العمل‌های است که از طریق آن، جامعه رفتار اعضای خود را هدایت می‌کند. زندگی فرد در جامعه در حالی که از حقوق و آزادی‌هایی برخوردار است، برای او محدودیت‌هایی را نیز ایجاد می‌کند. فردی که در جامعه زندگی می‌کند، نمی‌تواند به آزادی مطلق و هر طوری که دلش می‌کند. او باید برای بقای جامعه کارهای خاصی را انجام دهد. شما اگر عضو تیم فوتبال هستید، باید قواعد بازی فوتبال را رعایت کنید. شما آزاد نیستید که با توب به هر شکل که می‌خواهید بازی کنید؛ بنابر این، اعمالی را که فرد منحیث عضو جامعه باید آن‌ها را انجام دهد و در صورت رعایت نکردن آن‌ها با مجازات رو برو شود، قاعده می‌گویند. قواعد، مقرراتی اند که مردم را مکلف می‌سازند در شرایط خاص، چگونه عمل کنند، چه بگویند و یا چگونه بیندیشند؛ طور مثال: میهن دوستی یک ارزش است؛ اما رعایت و احترام عقاید جامعه، یک قاعده است. قواعد راهنمای همه اعمال می‌باشد. بعضی از قواعد برای مردم مقدس هستند و بی‌حرمتی و نقض آن‌ها غیر قابل تحمل و جرم است. بعضی از قواعد تاحدی اختیاری هست و عدم رعایت آن‌ها به طور معمول مجازاتی را در پی ندارد، این نوع قواعد، رواج‌های قومی یا عرف عام گفته می‌شوند. و قواعد فرهنگی که به صورت رسمی درآمده اند و برای نقض آن‌ها مجازات پیش‌بینی شده است، قانون نامیده می‌شود. اداراتی مانند: پولیس، محاکم و زندان‌ها و سایل اجرای این قوانین می‌باشند؛ طور مثال: کشت، استعمال و انتقال مواد مخدر، مجازات رسمی را در پی دارد.

**۳- عقاید:** عقاید دینی هم بخشی از باورهای اجتماعی می‌باشد. مردم ما از عقاید اسلامی

پیروی می‌کنند. اسلام به عنوان دینی که تمام شؤون حیات انسانی را در بر می‌گیرد، خود از فرهنگ غنی و پر بار برخوردار است. این فرهنگ مبتنی بر (وحی) است و از تعالیم اسلامی سرچشمه می‌گیرد.

خلاصه این که، عقاید عبارت از اصول اعتقادی و عام در جامعه می‌باشد که با ضمانت اجرایی همراه است و ارزش‌های والای جامعه را منعکس می‌سازد؛ مانند اصول اعتقادهای دینی، خداپرستی، ادای نماز، دادن زکات، روز ۵ گرفتن...

۴- سمبول‌ها: سمبول‌ها علایمی هستند که نشان دهنده حالاتی می‌باشد که انسان‌ها در زندگی روزمره خود با آن‌ها سرو کار دارند. نشانه به هر نوع پدیده فیزیکی (کلمه، شی، صدا، احساس، رایحه (بوی)، حرکت، طعم و غیره) گفته می‌شود که مردم برای آن معنا و ارزشی قابل می‌شوند.

سمبول‌ها علایمی اند که معنا را بر می‌انگیزند و متجلی می‌نمایند؛ مانند علامت هلال احمر، بیرق، سرود ملی، مجسمه و غیره. همچنان حضور یک نهاد را در جامعه برای مایاد آوری می‌کند؛ مثال: وقتی بیرق را می‌بینیم دولت ما را به یاد ما می‌آورد، همین‌گونه سرود ملی سمبول وحدت تمام اقوام و باشندگان کشور می‌باشد. یونفورم مکتب به ما نشان می‌دهد که متعلم مکتب هستیم.

اساسی‌ترین نظام سمبولیک یا نشانه در یک جامعه زبان است. زبان یکی از نیازهای زندگی اجتماعی است و کار گرفتن از آن یکی از ویژه‌گی‌های انسان اجتماعی به شمار می‌رود.

زبان وسیله ترویج و انتقال فرهنگ در جامعه است.

رشد زبان از طریق فرهنگ پذیری صورت می‌گیرد. زبان در افراد نه تنها موجب عمل متقابل و دوام فرهنگ می‌شود؛ بلکه رشد و شکوفایی اندیشه افراد را نیز سبب می‌گردد. فکر به وسیله زبان به زنده گی قدم می‌گذارد. واضح است که پیشرفت، تمدن و وجود فرهنگ غنی، مربوط به افکار یک قوم است که از طریق زبان ظاهر می‌شود. بدون زبان انسان نمی‌تواند آن‌چه است، باشد.

## مرواری بر درس

- ۱- اصطلاح فرهنگ به روش‌هایی از زنده‌گی اطلاق می‌شود که اعضای یک جامعه آن را یاد می‌گیرند و عمل می‌کنند و از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌دهند.
- ۲- ارزش عبارت از ایده‌های متداول و رایجی است در باره اینکه چه چیز درست است.
- ۳- قواعد: مقررات و طرز العمل‌هایی است که از طریق آن جامعه رفتار اعضای خود را هدایت می‌کند.
- ۴- عقاید عبارت از اصول اعتقادی و عمومی جامعه اند که ضمانت اجرایی دارند. و ارزش‌های والای جامعه را منعکس می‌کنند.
- ۵- سمبل یا نشان چیزی است که معنا را تحریک نموده و یا تجلی می‌دهد؛ مانند بیرق، علامت هلال احمر وغیره.
- ۶- زبان از مجموعه سمبل‌ها و مقررات شفاهی و تحریری تشکیل شده که ترکیب آن‌ها تولید کننده معانی و برقرار کننده ارتباط با افراد است.

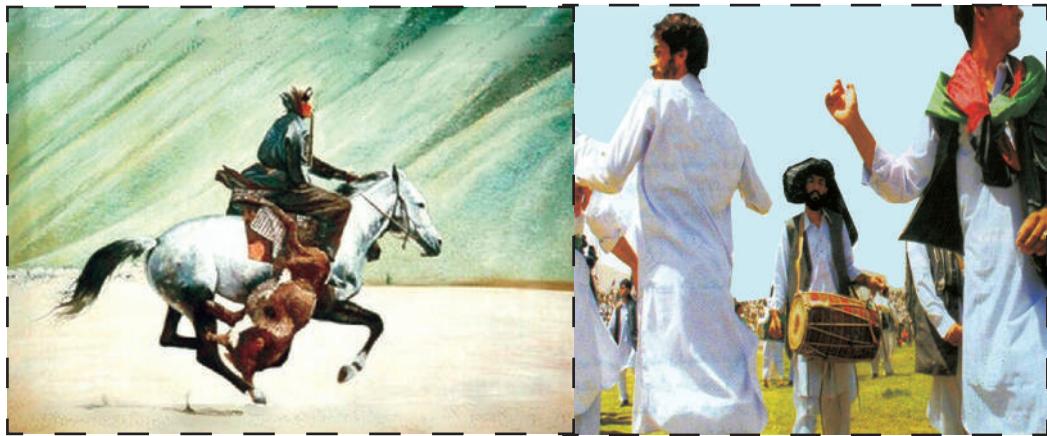
## پرسش‌ها

- ۱- فرهنگ چیست؟
- ۲- در فرهنگ‌های زبان از کلمه فرهنگ چگونه تعریف داده شده است؟
- ۳- ارزش را تعریف نمایید.
- ۴- رعایت نکردن قواعد برای فرد چه عواقب را در پی دارد؟
- ۵- به نظر شما، انسان زبان را چطور، کجا و از کدام طریق یاد می‌گیرد؟
- ۶- آیا به اشیای؛ مانند: بیرق، یونیفورم مکتب و سرود ملی سمبل گفته می‌توانیم؟ چرا؟
- ۷- عناصر عمدۀ فرهنگ چیست؟ نام بگیرید.

## کارخانه‌گی

هر کدام یک مثال از قواعد، ارزش و سمبل را درخانه نوشته گردد، در صنف بخوانید.

## خصوصیات فرهنگ



### بحث کنید

در منطقه‌یی که زندگی می‌کنید و یا در شهرها و کشورهای دیگر، آداب، رسوم و رفتارهای متفاوتی وجود دارند.

- علت‌های تفاوت در رفتار، رسوم و آداب چیست؟
  - آیا می‌توان یک فرهنگ را از فرهنگ دیگر بهتر یا بد تر دانست؟
  - آیا کدام معیار خوبی و بدی بین فرهنگ‌ها وجود دارد؟
- جواب این سؤالات را در این درس خواهید یافت.

### ۱- فرهنگ خاصه انسان است

خداوند عزیز به انسان عقل و شعور داده و بیشتر با آگاهی‌هایی که در زندگی اجتماعی به دست می‌آورد، عمل می‌کند. در حالی که حیوانات به طور ارشی یا فطری خود عمل می‌کنند و قدرت یاد گرفتن آنها، کم است. در جریان زندگی انسان‌ها حتا چیزهای ساده‌یی که موجودات زنده نیز به آن ضرورت دارد، در قالب فرهنگ داخل می‌شود؛ مثال: در تفاوت با دیگر موجودات، انسان اگر چه گرسنه هم باشد، در وقت معین غذا می‌خورد. در عین حال هنگامی که گرسنه و تشنه نیست، می‌خورد و می‌نوشد. بشر، بال ندارد که پرواز نماید؛ اما طیاره می‌سازد. قادر به تیز رفتن نیست، اما موتر می‌سازد، می‌تواند در سه وقت غذا بخورد، و یا با آداب خاصی وارد مسجد شود، عطسه کردن یک عمل طبیعی است؛ اما پس از عطسه کردن انسان‌ها عکس العمل‌های متفاوتی نشان می‌دهند. که از فرهنگ‌های مختلف پیروی می‌کنند، یکی می‌گوید ببخشید، دیگری می‌گویند: (الحمد لله) و در جواب می‌گویند: يَرْحَمُكَ اللَّهُ يَا هُمْ دُعَاءِي می‌خواند.

### ۲- فرهنگ، در خلال زمان غنا می‌یابد پس قابل اعتلا و تکامل است

زمان هر چه زیادتر بالای قومی گذشته باشد و فرصت‌های بیشتری به دستش رسیده باشد،

بیشتر خواهد توانست سرمایه معنوی ذخیره کند. روش‌های بهتر را جایگزین روش‌های بد سازد. ذخیره فرهنگی، زمانی روی میدهد که طی یک دوره معین، چیزهایی که به فرهنگ اضافه شده، بیش از چیزهایی باشد که دور گذاشته می‌شود یا طرد می‌گردد؛ بنابراین فرهنگ بهترین موازین اخلاقی و معتقدات دینی و تفکرها و آداب و سنت را می‌گیرد و خود را از آن می‌پروراند. فرهنگ امر زنده است؛ بنابراین باید متحرک و روان باشد. توقف او مرگ اوست.

### ۳- فرهنگ پدیده نسبی است

هیچ گروه و قومی نمی‌پذیرند که فرهنگ آن‌ها پایین‌تر و یا بدتر است. همه فرهنگ‌ها دارای زبان و شکل مشخصی از نظام خانواده‌گی استند. شناخت ما از درستی و نادرستی اعمال انسان‌ها، مطلوب و نا مطلوب بودن آن‌ها به طور کامل بسته‌گی به فرهنگ، آداب، رسوم و سنت مروج آن جامعه دارد. آداب و رسوم اجتماعی می‌توان هر ناگواری را ممکن و مطلوب جلوه دهد و آن‌چه روزی مطلوب بود، ممکن است روزی نا مطلوب شناخته شود. همچنان آنچه در جامعه‌یی مطلوب می‌نماید، در جامعه‌یی دیگر، ممکن است اشتباه به نظر آید.

### ۴- هر فرهنگ قابل انتقال و آموختنی است

هر جامعه، فرهنگی دارد و منحیث میراث فرهنگی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و یا از یک جامعه، به جامعه دیگر انتقال می‌یابد؛ یعنی وقتی تجربه از نسل‌های گذشته به ما انتقال می‌یابد به ما یاد می‌دهد که چگونه مسایلی را که ما با آن مواجه می‌شویم، حل کنیم. چگونه احتیاج‌های خود را بهتر رفع نماییم و بهتر زندگی کنیم، این یک فرهنگ است که به ما منتقل می‌شود. این فرهنگ، نهادهای دینی، زبان، ارزش‌ها، باورها، قوانین، سنت، علوم و صنایع را در بر می‌گیرد.

### ۵- فرهنگ عام، ولی خاص است

فرهنگ به عنوان دستاورده مادی و معنوی انسان، در همه جوامع انسانی عام است؛ یعنی در همه جوامع انسانی (کوچک یا بزرگ، ساده یا پیچیده) فرهنگ مشترک و عمومی دیده می‌شود؛ ولی با وجود عام بودن فرهنگ، هر گروه اجتماعی دارای ضوابط خویشاوندی، روش اقتصادی، مقررات، مناسک دینی، زبان، ادبیات و هنر مختص به خود می‌باشد و هیچ کدام از زمینه‌ها و پدیده‌های فرهنگی نیست که در دو جامعه و یا دو قوم یا دو گروه اجتماعی به صورت کامل شبیه به یکدیگر باشد، به عبارت دیگر، فرهنگ هر جامعه خاصه همان جامعه است.

## ۶- فرهنگ ثابت ولی متغیر است

برخی پدیده‌های اجتماعی، بنابر مقتضیات زمان و مکان، ضرورت‌ها، اختراعات، تجارب، مهاجرت‌ها و غیره تغییر و تحول می‌نماید، وقتی فرهنگی در یک جامعه آموخته و کسب می‌شود، ثبات و دوام پیدا می‌کند. در واقع هرگاه عواملی که فرهنگ را تغییرمی‌دهد قوی و قادرمند نباشد اعضای جامعه در برابر تغییر و دگرگون شدن فرهنگ مقاومت و مخالفت می‌نمایند به طور مثال: در هر فرهنگ، شیوه خاصی برای لباس پوشیدن وجود دارد، فقط هنگامی این شیوه تغییر می‌نماید که تحت تأثیر عوامل فرهنگ نو و جدید (نوآوری فرهنگی) قرار گیرد و مورد پذیرش اکثریت افراد جامعه واقع شود؛ ولی این تغییر، در زمینه‌های فرهنگی، به قدری کند و آرام صورت می‌گیرد که در مشاهدات روزمره، احساس نشده و کمبیش ثابت معلوم می‌شود.

## ۷- قبول فرهنگ، اجباری؛ ولی در عین حال نیز اختیاری است

انسان از بدو تولد، غذا خوردن، نشستن، حرف زدن، پوشیدن و بالاخره شناخت ارزش‌ها را چه بخواهد چه نخواهد در خانواده یاد می‌گیرد؛ فرد برای آن که بتواند در جامعه زنده‌گی کند، مجبور است، زبان، دین و مذهب، شیوه غذا خوردن، لباس پوشیدن، آداب و رسوم و سنت و خلاصه همه اعمال و افکاری را که مورد قبول جامعه، طایفه، قشر، طبقه اجتماعی و بالاخره شهر و محلی که در آن زنده‌گی و نشو نما می‌کند، یاد بگیرد؛ بنابراین آموختن فرهنگ با اجبار و فشار همراه است؛ ولی انسان بنابر خصوصیات جسمانی، فکری، روانی، علمی و اجتماعی‌اش در چارچوب آنچه که از جامعه خود یاد می‌گیرد، باقی نمی‌ماند و مختار است که پیش برود و خود را به حریم اختیار برساند. فرد در برابر اجبار، اختیار هم دارد. در غیر آن این همه اختراع‌ها و کشف‌های صورت نمی‌گرفت و این همه پیشرفت‌ها حاصل نمی‌شد. این‌ها نشان می‌دهد که فرد دارای اختیار است و قدرت انتخاب دارد و می‌تواند خود را از چارچوب اجبار، بیرون نماید.

انواع دیگری از خصوصیت‌های عام فرهنگی توسط انسان‌شناسان تشخیص داده شده‌اند. از جمله وجود هنر، اتن ملی، بازی‌ها، هدیه دادن، شوخی کردن، آرایش بدنی و قواعد صحی را می‌توان نام برد. خصوصیات فرهنگی به ویژه‌گی‌های رفتار افراد جامعه تأثیری قاطعی دارد. هر جامعه در چوکات فرهنگی آن بیشتر از خصوصیات فرهنگی جامعه سرکشی نمی‌کنند. بیشتر مردم از فرهنگ جامعه خود تابعیت می‌کنند؛ زیرا مستقیم و غیر مستقیم آن‌ها را یاد گرفته‌اند. آنان شاید به این طریق از تنها‌یی نجات یافته و با گروه یکجا می‌شوند و در ضمن نظم در زنده‌گی اجتماعی را مفید می‌دانند.

## مروری بردرس

- فرهنگ پدیده‌یی است اجتماعی و متکی به روابط اجتماعی. از نظر علم جامعه‌شناسی هر کس دارای فرهنگ است و انسانی وجود ندارد که فاقد فرهنگ باشد.
- هر فرهنگ قابل انتقال و آموختنی است، از این رو منحیث میراث فرهنگی از نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود.
- فرهنگ خاصه انسان است و تمایز و فرق اصلی انسان و حیوان در این است که انسان فرهنگ می‌آفریند.
- فرهنگ در خلال زمان غنا می‌یابد پس قابل اعتلا است.
- گرچه فرهنگ‌های جوامع مختلف با یکدیگر متفاوت استند؛ اما فرهنگ‌ها دارای وجود مشترکی نیز هستند؛ مثال: درهمه کشورها مردم ازدواج می‌کنند، و فرزندان خویش را تربیت می‌نمایند، به دین و ایدیولوژی مشترک اعتقاد دارند و نیز از زبان مشترک برای برقراری ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند.

## پرسش‌ها

- ۱- آیا فرهنگی وجود دارد که نسبت به فرهنگ دیگر امتیاز داشته باشد؟
- ۲- خصوصیات عام فرهنگ کدام‌ها اند؟ مثال بیاورید.
- ۳- چرا می‌گوییم که فرهنگ خصوصیت انسان است؟
- ۴- آیا انسانی را می‌شناسیم که فاقد فرهنگ باشد؟
- ۵- مطالب زیر را مطالعه نموده جملات صحیح را با علامت (✓) و جملات غلط را با علامت (✗) نشانی نمایید.

- ( ) - تفاوت اصلی انسان و حیوان در این است که انسان فرهنگ می‌آفریند.
- ( ) - فرهنگ پدیده نسبی نیست.
- ( ) - فرهنگ به مرور زمان غنا می‌یابد، پس قابل اعتلا و تکامل است.

## کارخانه‌گی

چهار خصوصیت فرهنگی کشور ما را با مقایسه کشورهای خارج یادداشت نموده در صنف بخوانید.

## فرهنگ و جامعه



### بحث کنید

طوری‌که در درس‌های قبلی یاد گرفتیم، انسان در جامعه متولد شده، در بین جامعه بزرگ می‌شود، یادمی‌گیرد و یاد می‌دهد. با قبول یک سلسله قوانین و مقرره‌ها به زندگی اجتماعی خود ادامه می‌دهد و سبب ایجاد یک سلسله عناصر فرهنگی می‌شود. به نظر شما:

- فرهنگ کدام بخش زندگی جامعه بشری را تشکیل می‌دهد؟
- در صورتی‌که جامعه وجود نداشته باشد، عناصر فرهنگی چگونه ادامه می‌یابند؟
- اصطلاحات انسان، جامعه و فرهنگ را می‌توان از لحاظ مفهوم از هم تمایز کرد؛ اما در واقعیت، ارتباط بسیار نزدیک، قطعی و عینی بین آن‌ها وجود دارد. هیچ فرهنگی، نمی‌تواند، بدون جامعه وجود داشته باشد و هیچ جامعه‌یی بدون فرهنگ نیست. جامعه، نظام روابط متقابل اجتماعی است که انسان‌ها بین خود برقرار می‌کنند. فرهنگ، روش زندگی، ارزش‌ها، عادات و رسوم و محصولاتی‌که آن‌ها تولید می‌کنند، می‌باشد. برای این‌که در مورد فرهنگ شناخت پیدا نماییم، باید به جنبه‌های قبلی و کنونی فرهنگ توجه نماییم.
- جنبه‌های قبلی فرهنگ، آداب و رسوم و سنت‌ها را در بر می‌گیرد.
- جنبه‌های کنونی، فرهنگ نو و خصوصیات آن را که به چشم می‌خورد، معرفی می‌کند.
- خداوند ﷺ این عالم خاکی را از عدم به هستی تبدیل کرد. و انسان‌هایی که در این عرصه زندگی می‌نمایند، همه از نیستی به هستی پا گذاشتند و بعد از پراکنده شدن انسان‌ها در نقاط مختلف زمین، زنده گی کردن را شروع کردند و باز این گروه‌ها برای خودشان آداب و رسوم خاصی داشتند، طوری‌که امروز مشاهده مینماییم، با ازدیاد جمعیت و کشورها، آداب و رسوم و فرهنگ‌های جدید به وجود می‌آیند.
- اصطلاح فرهنگ، در اصطلاح محاوره، بیشتر برای اشاره به سلیقه‌های دقیق و ظریف

هنری، ادبی، به کار می‌رود؛ اما از نقطه نظر جامعه شناسی اصطلاح مذکور بسیار وسیع‌تر است و به معنای آن است که هر کسی که در جامعه زنده‌گی می‌کند، دارای فرهنگ است. فرهنگ شامل تمام اشیایی و نعمت‌هایی می‌شود که خداوند<sup>الله</sup> در روی زمین برای استفاده بندۀ‌گان خویش خلق نموده است، و انسان‌ها در آن شرکت دارند. این اشیا به دو نوع است: مادی و معنوی که فرهنگ نیز بر اساس آن‌ها به دو بخش؛ فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی تقسیم گردیده است:

فرهنگ مادی: شامل همه اشیای مادی می‌شود که خداوند<sup>الله</sup> آن را خلق نموده، تا انسان‌ها از آن مستفید شده و آن‌ها را به مصنوعات و وسائل رفع ضرورت‌های خود تبدیل نمایند، می‌باشد. از قبیل: ماشین‌ها، لباس‌ها، مدارس، کارخانه‌ها، شهرها، کتاب‌ها، سفینه‌های فضایی، و مجسمه‌ها.

فرهنگ معنوی: شامل زبان‌ها، افکار، عقاید، قواعد، آداب و رسوم اجتماعی، افسانه‌ها، مهارت‌ها، مثال‌هایی از خانواده و نظام‌های سیاسی می‌شود.

جامعه به گروهی از افراد گفته می‌شود که مدت درازی با هم زنده‌گی کرده، سرزمینی را در تصرف خود داشته باشند. سر انجام توانسته باشند خودشان را به عنوان یک واحد اجتماعی جدا از گروه‌های دیگر، سازمان دهی‌کنند اگر جامعه را گروهی نسبتاً پایدار تصور کنیم، که مرکب از زن و مرد و اطفال که برای رفع احتیاج‌های خود با هم همکاری می‌کنند، فرهنگ همان مجموعه‌یی از ارزش‌ها و وسائل مشترک جامعه است که برای رفع ضرورت‌ها تولید می‌شوند و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد.

هیچ جامعه‌یی بدون فرهنگ خودش نمی‌تواند، وجود داشته باشد. جامعه، شامل مردمی است که در یک فرهنگ اشتراک دارند و واضح است که ضمن استفاده از فرهنگ نقش فعال نیز در آن ایفا می‌کنند. فرهنگ در واقع عبارت است از روش زنده‌گی اجتماعی یک گروه و تجمع سازمان یافته افرادی است که شیوه زنده‌گی معینی را دارا استند. به عبارت ساده، جامعه یعنی مردم و فرهنگ یعنی رفتار مردم. با ذکر این ویژه‌گی‌ها به این نتیجه می‌رسیم که در ارتباط با تفاوت بین فرهنگ و جامعه می‌توان گفت که جدایی فرهنگ از جامعه امکان ندارد؛ زیرا جامعه بدون فرهنگ، مجموعه‌یی است از افراد بی‌هویت. درست است که جامعه مهد پرورش فرهنگ است؛ ولی مفهوم زنده‌گی مشترک و ارتباطات اجتماعی به وسیله فرهنگ میسر و به دست آورده می‌شود به طور ذهنی امکان پذیر است که فرهنگ را از جامعه متمایز کنیم. فرهنگ متشکل از طریقه زنده‌گی جامعه است و جامعه متشکل از مردمی است که با هم عمل متقابل دارند و در یک فرهنگ شریک می‌باشند؛ اما این دو مفهوم با هم ارتباط نزدیک دارند؛ چنان‌که

یک فرهنگ بدون جامعه‌یی که آن را حفاظت کند نمی‌تواند وجود داشته باشد و بدون فرهنگ، فرد و جامعه انسانی نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

### بحث نمایید

به نظر شما، چرا جوامع بشری به فرهنگ نیاز دارند؟

انسان‌ها به این دلیل نظام‌های فرهنگی را به وجود می‌آورند که به آن‌ها ضرورت دارند. این نظام‌ها، توسعه می‌یابد تا عمل متقابل و سازماندهی را آسان سازد. همین ضرورت‌ها و تبدیل شدن آن‌ها به یک فرهنگ، قواعد، ارزش‌ها و رسوم را تشکیل می‌دهد که وسیلهٔ نظم در جامعه می‌گردد؛ همچنان موجب تقویت، همبسته‌گی و ارتباط قوی میان اجتماعی که این فرهنگ را پذیرفته اند، می‌گردد. جوامع که در رشد و حرکت خود بر همین فرهنگ‌ها و عقاید استوار باشد، طبق همین فرهنگ که مورد قبول عام مردم است، به رفع ضرورت‌های اجتماعی یکدیگر می‌پردازند. انسان‌های متroker با توانایی‌های دست داشته، توانسته اند. کوه‌ها و دره‌ها، جنگل‌ها و بیابان‌ها، مناطق ساحلی و قطبی را تصرف کنند؛ زیرا همواره وسایل تخصصی برای زندگی در این نوع محیط را آماده و مهیا می‌نمایند.

به نظر شما کدام عوامل باعث موافقیت بی سا بقاء پسر شده است؟

- ۱- نوآوری و علمیت انسان‌ها؛
- ۲- ضرورت‌های مادی و معنوی انسان‌ها؛
- ۳- فرهنگ.

جواب در یک کلمه، فرهنگ است. فرهنگ مشترک ما همان است که زندگی اجتماعی را امکان پذیر می‌سازد. بدون انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر، لازم می‌بود هر نسل جدید حل ساده‌ترین مسایل حیات انسانی را از نو آغاز نماید؛ چنانچه مجبور بود نظام خانواده‌گی را از نو اختراع کند. زبان ابداع نماید، آتش را کشف کند، ماشین‌ها را بسازد و غیره.

جامعهٔ ما نیز مانند هرجامعه دیگر فرهنگی دارد که از یک نسل به نسل دیگری منتقل شده است. این فرهنگ؛ تکنالوژی، نهادهای مذهبی، زبان، ارزش‌ها، عقاید، قوانین و سنت‌های ما را در بر می‌گیرد. این فرهنگ، از طریق نهادهای رسمی و نهادهای غیر رسمی انتقال داده می‌شود.

هر جامعه بر اثر تحولات خود دچار احتیاجات جدیدی می‌شود. برای رفع این احتیاجات جامعه وسایل جدیدی را به وجود می‌آورد که درنتیجه ظهور وسایل و عوامل جدید و دوام عوامل کهنه، به صورت دوامدار، همیشه عامل‌های اضافی بر فرهنگ جامعه افزوده می‌شوند و ذخیره فرهنگی بزرگی پدید می‌آید. تاریخ نشان می‌دهد که جامعه در هر مرحله از رشد اقتصادی، روحی دارد که همان فرهنگ است. اگر یک جامعه را به

مثابه یک جسم در نظر بگیریم، فرهنگ روح آن جامعه است و به همین دلیل هیچ جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد؛ چون جامعه ما جامعه اسلامی است و فرهنگ یک جامعه به مقام روح جامعه زمانی می‌رسد که جو حاکم بر آن جامعه، جو کاملاً اسلامی باشد. مردم به اخلاق اسلامی خو گرفته باشند، به قوانین و مقررات دینی آشنا و به آداب اسلامی مؤدب شده باشد؛ یعنی در جامعه فرهنگ اسلامی پیاده شده باشد.

### مروری بر درس (۱)

- هیچ جامعه‌یی بدون فرهنگ به خصوص خود نمی‌تواند وجود داشته باشد. به زبان ساده‌تر، جامعه؛ یعنی مردم و فرهنگ؛ یعنی رفتار و عادات مردم.
- جدایی فرهنگ از جامعه امکان ندارد، زیرا جامعه بدون فرهنگ مجموعه‌یی است از افراد بی‌هویت.

### پرسش‌ها

- جامعه را تعریف نمایید.
- چه فکر می‌نمایید، جامعه بدون فرهنگ می‌تواند وجود داشته باشد؟
- فرهنگ از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یابد؛ یعنی چه؟ مثال بیاورید.
- جنبه‌های قبلی و جنبه‌های فعلی فرهنگ باهم چه تفاوت دارند؟
- چند مثال از فرهنگ مادی را نام بگیرید.
- چند مثال از فرهنگ معنوی را بیان دارید.

### کارخانه‌گی

ارتباط بین جامعه و فرهنگ را در جدول زیر به طور مختصر بنویسید.

جامعه	فرهنگ

(۱) شاگردان عزیز از این درس به بعد به کمک معلم صاحب خود خلاصه درس را بنویسید.

## فرهنگ‌های کوچک

در درس قبلی خواندیم؛ زمانی که انسان‌ها در نقاط مختلف زمین زندگی را آغاز نمودند این گروه‌ها آداب و رسوم خاصی از خود نشان دادند که با آداب و رسوم دیگر گروه‌ها تفاوت داشت. این تفاوت با جوامع دیگر و همچنان در خود جامعه نیز دیده می‌شد، طوری که امروز مشاهده می‌نماییم با ازدیاد جمعیت و کشورها، آداب و رسوم و فرهنگ جدیدتری به چشم می‌خورد. در این درس با دادن معلومات در بارهٔ فرهنگ‌های کوچک این موضوع را می‌خوانید.



### مقایسه کنید

اعضای خانواده یا هم صنفی‌های تان را در نظر بگیرید چند نمونه از خصوصیت‌های مشترک و تفاوت‌های آن‌ها را بر شمارید. حال در مورد گروه‌های بزرگتر فکر کنید. مردم مناطق مختلف کشور وسیعی چون افغانستان را در نظر بگیرید. چند مثال از ویژه‌گی‌های مشترک آن‌ها را بیان و به چند نمونه از تفاوت‌های آن‌ها اشاره کنید.

فرهنگ‌های کوچک، طرز زندگی یک گروه در درون یک فرهنگ بزرگ است. شیوهٔ زندگی گروه کوچک از یک سو با فرهنگ پیرامونش هم جهت است و از سوی دیگر، از آن تفاوت دارد. فرهنگ‌هایی کوچک بسیاری از شیوه‌های زندگی فرهنگ بزرگ را می‌پذیرد؛ اما در زمینه‌هایی که مربوط به قواعد امور مادی و شیوه‌های کارکردن می‌شود، اعضای گروه در بارهٔ آن، نظریات متفاوتی دارند. از میان این فرهنگ‌های کوچک، فرهنگ‌های منطقه‌یی، مذهبی، شغلی، سنی، قومی، طایفه‌یی، قبیله‌یی، گروه‌های منطقوی و محلی، گروه‌های کسبی، خویشاوندی، اقلیت‌های مذهبی و بالاخره قشراهای مختلف اجتماعی یک جامعه، هر کدام فرهنگ کوچک و مخصوصی دارند که مربوط همان گروه اجتماعی خاص می‌شود. به طور عموم، در هر یک از این گروه‌ها، هویت و شکل

اختصاصی فرهنگ وجود دارد که فرهنگ کوچک یا بخشی از فرهنگ نام دارد. بنابر این، فرهنگ کوچک به عقاید، قواعد، آداب و رسوم رایج در گروهی از مردم گفته می‌شود که با عقاید، قواعد، آداب و رسوم متدال و رایج در عموم جامعه تفاوت دارد؛ به عبارت دیگر مفهوم فرهنگ کوچک، به نمونه، فرهنگ‌های گفته می‌شود که بخشی از جامعه را از کل آن جدا می‌کند. فرهنگ کوچک را در طبقه‌ها و قشرهای اجتماعی یک کشور یک جامعه شهری و یا دهاتی نیز می‌توان مشاهده کرد؛ به طور مثال: زبان را در نظر بگیریم، درست است که هر جامعه دارای زبان معین است که با زبان جامعه دیگر فرق دارد؛ ولی با آسانی می‌توان تشخیص کرد که کوکان و نوجوانان و پیران، کارمندان دولت، کارگران، ثروتمندان، ساکنین جنوب شهر و شمال شهر و... هر یک دارای کلمات، اشاره‌ها، ضرب المثل‌ها، شوخی‌ها، تعارف‌ها و سرانجام، ادبیات و زبان مختص به خود می‌باشند. سخن زدن‌های محلی، شیوه‌های خاص ازدواج و تشکیل خانواده‌های نو ظهور، در اجتماعات ایلی و دهاتی نمونه‌یی از فرهنگ کوچک به شمار می‌روند.

افراد می‌روند و می‌آیند؛ اما جامعه؛ همچنان پای بر جاست. انسان در هر جامعه‌یی از طریق داشتن فرهنگ رایج، با دیگران احساس همنگی و همبستگی می‌کند و از مردم و جوامع دیگر خود را متفاوت و جدا می‌یابد. این‌که بین فرهنگ کوچک در یک جامعه و یا هم بین جوامع مختلف تضادهای فرهنگی که ناشی از تفاوت‌ها در طریقه زندگی کردن و طرز رفتار افراد جوامع به میان می‌آید، یک امر طبیعی است.

در بعضی موارد فرهنگ‌های کوچک، تنها متفاوت از فرهنگ اصلی جامعه نیستند بلکه؛ در عمل مخالف ارزش‌ها و قواعد جامعه عمل می‌کنند. جامعه شناسان این نوع فرهنگ‌های کوچک را پاد فرهنگ یا ضد فرهنگ می‌گویند.

می‌توان هویت فرهنگ‌های کوچک را به اساس ویژه‌گی‌های فزیکی، قومی، سابقه مذهبی، منطقه‌جغرافیایی، سن، جنسیت، مقام‌های اقتصادی اجتماعی یا شغلی و غیره تعیین کرد؛ اما باید در نظر داشت که قضاوت در باره فرهنگ کوچک مردم وظیفة مشکل، پیچیده و قابل دقت است. نمی‌توان مردم را تنها به دلیل داشتن خصوصیت‌های مشترک در یک مقوله فرهنگی جای داد؛ به طور مثال: انتخاب مقوله قومیت به عنوان معيار تعیین هویت فرهنگ کوچک ممکن دقیق نباشد. امروز میلیون‌ها تن از مردم جهان از نظر نژادی و فرهنگی با هم ترکیب شده‌اند و نمی‌توان به آسانی آن‌ها را در مقوله‌های سفید، سیاه، افریقایی، مکسیکویی و غیره جای داد.

نکته قابل اهمیت این است که تنها یک خصوصیت، به خصوص خصوصیت فزیکی نمی‌تواند، معیاری برای تعیین هویت فرهنگ کوچک افراد باشد. جامعه شناسان برای نشان دادن این‌که آیا گروهی از مردم، سازنده یک فرهنگ کوچک هستند یا نه، به خصوصیت‌های ذیل توجه می‌کنند:

- زبان، ارزش‌ها، قواعد و قلمروهای مشترک داشته باشند.
- عمل مقابله اعضا این گروه نظر به اعضای خارج از گروه با هم گروهی‌های خود بیشتر می‌باشد.
- یکی از خصوصیت‌های مشترک همه فرهنگ‌های کوچک این است که اعضای آن‌ها، از بعضی جهات، خود را از دیگر اعضای جامعه جدا احساس می‌کنند و منزوی می‌شوند. این انزوا می‌تواند داوطلبانه و یا نتیجه عوامل دیگر باشد. دلیل این دوری هر چه باشد، فرهنگ‌های کوچک (از بعضی جهات) جدا از راه اصلی فرهنگ جامعه حرکت می‌کند. در اجتماعاتی به خصوص در دهات آن‌هایی که به صورت گروه‌های خویشاوندی و قومی به طور جدا از هم و اما در نزدیکی یکدیگر زندگی می‌کنند، تنوع و تفاوت فرهنگ‌های کوچک در بعضی موارد، موجب روابط خصمانه و جنجال بر انگیز میان آن‌ها می‌شود و گاهی به زد و خورد و نزاع می‌انجامد.

### فعالیت

درمورد پرسش‌های زیر بحث و گفتگو نمایید:

- ۱- به نظر شما، انکار از یک فرهنگ و نادیده گرفتن دستاوردهای آن در یک جامعه چه عواقبی را در پی دارد؟
- ۲- تعلیم و تربیه و به خصوص محیط مکتب چه نقشی در ایجاد و ترویج شناخت صحیح فرهنگ‌های مختلف ایفا می‌نماید؟

انکار از یک فرهنگ و نادیده گرفتن دستاوردهای آن، در واقع انکار از شخصیت افراد متعلق به آن فرهنگ است. هر فرهنگ شخصیت اعضاش را می‌سازد. زمانی‌که فرهنگ یک گروه را نادیده می‌گیریم، در واقع یک پارچه‌گی وجودی اعضای آن فرهنگ را با تهدید مواجه می‌کنیم.

درنتیجه چنین وضعیت نظریات و عقاید نا صحیح یک گروه در مورد گروه دیگر بروز می‌نماید.

تعلیم و تربیة نظامی را در بر می‌گیرد که در آن حیات فرهنگ‌ها، که در واقع میراث عظیم و با ارزش جوامع هستند حفظ شده و حتا غنی‌تر نیز می‌شود. محیط مکتب می‌تواند یکی از بهترین محیط‌ها برای ایجاد و ترویج شناخت صحیح در مورد فرهنگ‌های مختلف باشد. زمانی‌که نظام تعلیم و تربیه را تمام افراد با فرهنگ‌های مختلف در یک مؤسسه از یکدیگر پذیرفته اند و این فرهنگ آن‌ها را برای زندگی در اجتماع آماده می‌کند. افرادی که در چنین نظامی تربیه می‌شوند، از امنیت روانی برخوردار بوده و داشتن چنین امنیتی اثر خود را بر روی شگوفایی افراد می‌گذارد. افراد چنین جامعه‌یی که در آن هر کسی احساس شخصیت می‌کند و دارای هویت است؛ نه تنها نسبت به هم فرهنگان خود؛ بلکه نسبت به سایر فرهنگ‌ها نیز احساس نزدیکی و همبسته‌گی دارند.

### فرهنگ‌های کوچک انحرافی



این مفهوم در مورد گروه‌هایی به کار می‌رود که اعضاً آن‌ها از ارزش‌ها و قواعدی پیروی می‌کنند که قوانین کلی جامعه را نادیده گرفته و زیر پا می‌کنند. این گروه‌ها را تقریباً در همه جوامع می‌توان دید، مثل: باندهای قاچاق مواد مخدر، باندهای دزدان و رهزنان و غیره.

### مروری بر درس



### پرسش‌ها

- ۱- فرهنگ‌های کوچک چیست؟
- ۲- منشأ تضاد فرهنگی در یک جامعه چیست؟
- ۳- انکار از یک فرهنگ و نادیده گرفتن دستاوردهای آن چه عواقبی را در بردارد؟
- ۴- چند مثال در باره تضاد فرهنگی ارائه نمایید.
- ۵- چند نمونه از فرهنگ مشترک اقوام مختلف را بیان دارید.

### کارخانه‌گی



در منطقه که زندگی می‌نمایید چند نمونه از فرهنگ‌های کوچک را یاداشت نموده در صنف بخوانید.

## تماس‌های فرهنگی

### بحث کنید

طوری‌که در درس‌های گذشته خواندید، انسان یک موجود اجتماعی است. فرد برای آن‌که بتواند در جامعه زنده‌گی کند، مجبور به یادگرفتن فرهنگ جامعه است؛ بنابراین داشتن تماس و ارتباط با دیگران برای وی ضروری است.

با در نظر داشت این مطلب در باره سؤالات ذیل بحث و گفتگو کنید.

۱- تماس‌های فرهنگی چیست؟

۲- عدم ارتباط و تماس‌ها بین افراد در یک جامعه چه عواقب را در بر دارد؟

۳- تماس‌ها و ارتباطات در زنده‌گی اجتماعی چه نقش و اهمیت دارد؟

**تماس چیست؟**

تماس یا ارتباط به معنای عام، عبارت است از: انتقال مفهوم به کمک و استفاده از سمبل، ارتباط یا تماس جریانی است که شخص یا گروهی دیگر را از احساساتش در باره موضوعی با خبر کند. تماس‌ها از راه‌های بسیار گوناگونی صورت می‌گیرد از راه تصاویر موسیقی، نشانه‌های ریاضی، حرکات دست، حالت چهره یا حتا ضربه‌های بدنی؛ ولی رایج‌ترین شکل تماس در جامعه بشری نظام سمبل‌های گفتار یا نوشته است که ما آن را زبان می‌نامیم.

جامعه، مجموعه‌یی از افرادی است که در محیط مشترک زنده‌گی می‌کنند، نهادها، فعالیت‌ها و منافع مشترکی دارند؛ ولی اگر آن‌ها به ترتیبی با یکدیگر ارتباط بر قرار نکنند، نمی‌توانند از منافع مشترک خود با خبر شوند و یا به هدف مشترک خود برسند؛ پس نتیجه گیری ساده می‌شود، نبود ارتباط و تماس، یعنی نبود جامعه طوری‌که در درس‌های قبلی خواندید، فرهنگ روش کلی زنده‌گی مردم و دربر دارنده رسم و رواج‌ها، نهادها، عقاید و ارزش‌های جامعه است. فرهنگ به حیث یک نیروی پیوند



دهنده عمل می‌کند و با ویژه‌گی هایی که دارد مردم را از نظریات، عقاید و عنوانات مشترک از طریق انتقال، ذخیره، اشاعه و توسعه فرهنگ با هم پیوند می‌دهد. اگر فرهنگی با فرهنگ‌های دیگر تماس داشته باشد بر اثر اشاعه (ترویج) یا استقراض فرهنگی، دستخوش تغییر فرهنگی می‌شود.

اشاعه: به معنای گسترش دانش از فرهنگی به فرهنگ دیگر و یا به توسعه علوم میان گروه‌های گوناگون درون یک فرهنگ، گفته می‌شود. اشاعه زمانی رخ می‌دهد که یک گروه، ارزش‌ها، افکار، قواعد و رسم و رواج‌ها یا چیزهای مادی گروه دیگر را اقتباس کند.

فرهنگ علم خاصی نیست که به یک طبقه مردم ارتباط داشته باشد، بلکه آینینی (روش، رسم و عادت) است که زندگی عمومی جامعه با تمامی انواع اندیشه‌های و تغییرات اجتماعی خود خواهان آن است. فرهنگ در همه شؤون زندگی فرد و در ساخت عام جامعه دخالت می‌کند. عنصر اساسی در تحول فرهنگ‌ها نوع را بطه بین آن‌ها است. در عصرما، تماس‌های فرهنگی در اکثر اوقات به واسطه وسائل ارتباط جمعی صورت می‌گیرد.

وسائل یارسانه‌های ارتباطی به صورت معمول به دو نوع تقسیم می‌شوند: رسانه‌های روبه‌رو که پیام‌های شان را از راه تماس شخصی مستقیم بین پیام دهنده‌گان و اخذ کننده گان پیام منتقل می‌کنند. از قبیل گفتگوهای خصوصی، نامه‌های خصوصی و غیره. رسانه‌های گروهی پیام‌های شان را برای تعداد زیادی از اخذ کننده گانی پخش می‌کنند که با آن‌ها هیچ نوع تماس روبه‌رو ندارند. این رسانه‌ها عبارت اند از: تلویزیون، رادیو روزنامه، اینترنت، فیلم‌های سینمایی، مجله‌ها و کتاب‌ها هستند.

وسائل ارتباط جمعی، با دسترس قرار دادن پروگرامها، فرهنگ جدیدی را به وجود می‌آورند. در عصرما تکنالوژی پیشرفت زیاد نموده است. روشن است که تأثیر تکنالوژی، به شرایط اجتماعی، سنت‌های تاریخی، خصوصیت‌های فرهنگی و عقیدتی یک کشور، بسته‌گی دارد.

گذشته از این تکنالوژی، خواه، نا خواه، وارد جامعه می‌شود. وقتی وارد شد، روی نظریات و رفتار اثر می‌گذارد؛ اما می‌توان آن را در خدمت فرهنگ غیر مادی قرار داد و به جای رد و یا طرد آن، از آن استفاده خوب کرد. عناصر مفید دیگر فرهنگ‌ها را جذب و عناصر غیر ضروری و نا مناسب آن‌ها را دفع نمود.

تماس فرهنگی یک پروسهٔ دو جانبی و متقابل است. تماس‌های فرهنگی موقعی مؤثر

واقع می‌شود که فرهنگ غنی، عنعنوی و تولیدی خود را احیا نماییم. نقاط ضعف آن را اصلاح و کمبودهای آن را با روش‌های جدید خود جبران کنیم و تکامل بخشیم. روش‌های را که برای شرایط کشور ما مناسب است، خود ما ایجاد و کشف نماییم. یک کشور زمانی بر مشکل‌ها فایق آمده می‌تواند که متغیرترین افراد جامعه؛ یعنی کسانی را که به عالی‌ترین حد دانش و تفکر رسیده‌اند، جمع آوری نماید تا با در نظر داشت شرایط کشور راه حل مشکلات را دریافت و از آن‌ها راه حل مسایل را بخواهیم. راه حل‌های دیگر کشورها برای مسایل خود آن‌ها مناسب است. ما می‌توانیم از کشورهای دیگر یاد بگیریم، که آن‌ها با چه روش‌های به راه حل مسایل خود رسیدند، یعنی روش تفکر را از آن‌ها یاد بگیریم، نه این‌که راه حل‌های آن‌ها را کاپی کنیم.

### انترنت چیست؟

شما با نام انترنت آشنا هستید و شاید از آن استفاده نیز کرده باشید. به نظر شما چطور می‌توانیم از انترنت استفاده معقول نماییم؟ در این باره در صنف بحث کنید.

انترنت یک شبکه اطلاعاتی پیچیده است که دارای خدمات بسیار می‌باشد. در زمینه‌های متعدد علمی، فنی، اقتصادی، تجاری، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فعالیت می‌کند. به عبارت دیگر، انترنت مانند یک مجله عمومی است که در آن با چیزهای مختلفی بر می‌خوریم. از احوال جهان اطلاع حاصل می‌نماییم. از اندیشه‌های بزرگ مطلع می‌شویم، با دوست خود در فاصله دور تماس برقرار می‌کنیم، از جنایت، سرقت و حوادث ضد اخلاقی باخبر می‌شویم و خیلی موضوعات دیگر. طبق پیش‌بینی که از وضعیت تکنالوژی در ساحة ارتباطات صورت گرفته است جهان در آینده مانند یک خانه خواهد شد و شبکه ارتباطات از طریق اقمار مصنوعی و ماهواره‌ها جهان را به یکدیگر مرتبط خواهد کرد، همان طوری که دیده می‌شود، زیادترین میزان ارتباط مربوط به مؤسسات تعلیمی و مراکز علمی و پژوهشی است؛ بنابراین مراکز تعلیمی، محصلان، متعلمانت، به عنوان قشر علمی جامعه، بیشتر در معرض این نوع ارتباط‌ها هستند.

با در نظر گرفتن این اصل، می‌توان از تکالوژی نوین، متنا سب با ارزش‌های جامعه خود استقاده کرد و موجب توسعه فرهنگ، پیشرفت در زمینه‌های علمی، فنی، تخصصی و مشارکت در اموری که پایه‌های علمی را تقویت می‌نماید، شد. ما در جامعه خود چوکاتی داریم که به عنوان چوکات جهان‌بینی ما، نیاز به رشد، پرورش و بسط دارد. دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، فقط بیماری و فساد نیست. نظام بین‌المللی موجود دارای ابعاد مثبت و منفی است؛ بنابر این بر ماست که باید دست به انتخاب منطقی بزنیم.

### تهاجم فرهنگی چیست؟

فرهنگ خصوصیات انسان‌ها را دارد؛ همان‌طوری که انسان‌ها بعضی اوقات به مبادله افکار و اطلاعات می‌پردازند و در حالت صلح باهم زندگی می‌نمایند، فرهنگ‌های نیز چنین هستند و گاهی این مبادله صورت می‌گیرد و همیگر را حمایت و اصلاح می‌نمایند. مبادله مجبور، می‌تواند زمینه‌های توسعهٔ پایدار یکدیگر را فراهم آورد؛ ولی گاهی وقت‌ها فرهنگ‌ها نیز مانند انسان‌ها، علیه یکدیگر اعلام هجوم و جنگ می‌نمایند. در قدیم از طریق جنگ‌ها و نیروهای تن به تن یک فرهنگ غالب و یا مغلوب می‌گشت؛ ولی امروز دیگر احتیاجی به تلفات جسمانی نیست؛ بلکه با تغییر عقیده، فرهنگ، تبلیغات، مصرف، تولید و غیره می‌توان همان کار دوران گذشته را انجام داد. این واقعیت را نیز باید در نظر داشت، که فرهنگ ضعیف ضربه می‌بیند و مورد تهاجم قرار می‌گیرد. همان‌طوری که همیشه و در همه جا ویروس سبب مریضی خاص می‌شود؛ ولی این ویروس همه را مریض نخواهد کرد و کسانی مریض می‌شوند که بدن شان ضعیف بوده و آماده‌گی به پذیرش آن ویروس را دارا باشند.

تهاجم فرهنگی نیز چنین است. و کشورهای مورد تهاجم واقع می‌شوند که از لحاظ درونی آماده‌گی آن را داشته باشند.

آنچه که کشور ما را از گزند اجانب و بیگانه‌گان مصّبون و محفوظ نگهداشته، فرهنگ و تمدن بوده است. افغانستان بارها مورد تهاجم بیگانه گان قرار گرفته است؛ اما هیچ‌گاه فرهنگ غنی و برتر ما که همیشه متکی به عقیده و ارزش‌های اسلامی بوده است؛ نه تنها

شکست نخورده و از بین نه رفته است، بلکه بیگانه‌گان، دشمنان و متجاوزین را به زانو در آورده و به تسليم وا داشته است. اگر نه ما هم مانند بسیاری از کشورهای ضعیف زبان و فرهنگ خود را از دست می‌دادیم. کشور عزیز ما افغانستان از سابقه فرهنگی نیرومند برخوردار است. ملت ما با تکیه بر این طبقه‌ها فرهنگی، به ویژه دو عنصر مهم آن؛ یعنی عقیده و زبان و ریشه‌دار بودن آن در بین طبقه‌ها و اقسام مردم، قادر به مقاومت و پاسخ‌گیری و درهم شکستن موج حملات فرهنگی و تهاجم فرهنگی جدید خواهد شد.

### موردی بر درس



- 
- 
- 
- 
- 

### پرسش‌ها



- ۱- تماس چیست؟
- ۲- عدم تماس و ارتباط بین افراد در یک جامعه چه عواقبی در بر دارد؟
- ۳- وسائل ارتباط جمعی چه نقشی در تماس‌های فرهنگی دارد؟
- ۴- به نظر شما استفاده منطقی از وسائل ارتباط جمعی چیست؟
- ۵- کدام کشورها زیادتر زیر تهاجم فرهنگی قرار می‌گیرند؟
- ۶- چند مورد تهاجم فرهنگی را نام ببرید.

### کارخانه‌گی



رسانه‌های گروهی با توجه به تأثیر و نفوذی که دارد، می‌تواند تأثیر مثبت و یا منفی بر جای بگذارد. دو مورد از تأثیرات مثبت و دو مورد از تأثیرات منفی رسانه‌های جمعی را تحریر نموده در صنف بخوانید.

## خلاصه فصل اول

- مردم از طریق فرهنگ می‌توانند، مهارت‌هایی را یاد بگیرند که برای زنده ماندن و بقای آن‌ها در محیط‌های مختلف طبیعی لازم است؛ به طور مثال: چگونه خوراک جمع‌آوری و پخته کنند، چگونه بپوشند و خانه بسازند.
- رفتارهای که فرد منحیث عضو جامعه باید آن‌ها را انجام دهد و در صورت رعایت نکردن آن‌ها با مجازات روبرو می‌شود، قواعد گفته می‌شود.
- باورها عبارت از اصول اعتقادی و عمومی در جامعه هستند که با ضمانت اجرا همراه اند و ارزش‌های والای جامعه را منعکس می‌سازند.
- نشان‌ها علایمی هستند که نشان دهنده حالتی که انسان‌ها در زندگی روزمره خود با آن‌ها سرو کار دارند.
- اساسی‌ترین نظام سمبولیک در جامعه زبان است. زبان یکی از ضروریات زندگی اجتماعی است و کار گرفتن از آن یکی از خصوصیات انسان اجتماعی به شمار می‌رود.
- در عصر ما، تماس‌های فرهنگی بسیاری از اوقات به واسطه وسایل ارتباط جمعی صورت می‌گیرد. وسایل ارتباط جمعی، با مهیا کردن پروگرامها، فرهنگ جدیدی را به وجود می‌آورند. روشن است که تأثیر تکنالوژی، به زمینه‌های اجتماعی، عنعنات تاریخی، خصوصیات فرهنگی و عقیدتی یک کشور، بسته‌گی دارد.

## فصل دوم

### گروه‌های اجتماعی

در این فصل درس‌های ذیل را می‌خوانید

• گروه اجتماعی چیست؟

• شکل‌گیری گروه اجتماعی

• رهبری گروه اجتماعی

# اهداف فصل

شما در پایان این فصل:

- مفهوم گروه اجتماعی را درک می‌کنید;
- مفهوم دسته و ازدحام را درک می‌کنید;
- تفاوت‌های گروه اجتماعی و دسته را می‌دانید;
- جریان تشکیل گروه اجتماعی را توضیح داده می‌توانید;
- مفهوم رهبری گروه اجتماعی را درک می‌کنید;
- خصوصیات رهبری گروه اجتماعی را فهرست می‌توانید;
- با زندگی کردن در گروه اجتماعی علاقه‌مندی نشان می‌دهید؛

## گروه اجتماعی



به عکس دقت کنید و فکر کنید که این صنف شما است که در آن درس می‌خوانید.

پس همه شما عضو این صنف و هم سن و سال استید، در پهلوی هم می‌نشینید، معلمان مشترک دارید، با هم می‌خندید و با هم غمگین می‌شوید.

داشتن خصوصیات و فعالیت‌های مشترک، شما را از دیگر صنفها و گروه‌ها جدا می‌کند؛ مثال: شاگردان صنف یازدهم مکتب شما دارای سن بزرگتر بوده و درس‌ها و معلمان آن‌ها نیز از شما متفاوت می‌باشند؛ پس گفته می‌توانیم که صنف شما دارای

خصوصیات و فعالیت‌های مشترکی است. که شما را از دیگران جدا می‌کند؛ به طور مثال: شما در صنف فعالیت‌هایی را از قبیل: یکجا درس خواندن، کمک گرفتن از یکدیگر برای فهمیدن درس‌ها، انجام دادن کار خانه‌گی یکسان انجام می‌دهید. شما به آسانی می‌توانید با اعضای گروه هم صنفی‌های خود، رابطه برقرار کنید، می‌توانید به آسانی با آن‌ها صحبت نمایید، در باره مشکلات درسی از یکدیگر بپرسید، انجام این کارها را روابط متقابل یا عمل متقابل می‌گویند؛ بنابر این گروه، مرکب از افرادی است که دارای خصوصیات مشترک می‌باشند و با هم روابط متقابل یا عمل متقابل اجتماعی دارند و روابط آن‌ها تا حدود زیادی منظم و دوامدار می‌باشد؛ بنابر این گروه عبارت از مجموعه‌یی از انسان‌هاست که دارای خصوصیات و فعالیت‌های مشترکی استند و با هم روابط نسبتاً پایدار و ثابت و منظمی دارند. و یا به زبان ساده‌تر افراد در عین این‌که فردیت خود را حفظ می‌کنند به عنوان اعضای یک گروه خود را (ما) نیز می‌خوانند. مفهوم (ما) نشان می‌دهد که فرد خود را متعلق به یک گروه می‌داند. جامعه‌شناسان گروه را چنین تعریف می‌کنند:

گروه، اجتماعی واحدی است مرکب از دو نفر یا بیشتر که بین آن‌ها اعمال متقابل نسبتاً پایداری برقرار است که با نام و نوع آن مشخص می‌گردد، از نظر فکری و عاطفی نیز خود شان را با یکدیگر بسیار نزدیک حس می‌کنند و برای رسیدن به هدف و آرمان مشترکی که گروه برای رسیدن به آن به وجود آمده است، بایکدیگر همکاری و معاونت می‌نمایند. از تعریف بالا چنین نتیجه می‌گیریم که:

۱- افراد گروه دارای عمل‌های متقابل استند و با یکدیگر ارتباط دارند.

- ۲- می‌فهمند که عضو گروه استند.
- ۳- دارای تفاهم مشترک استند و از نظر عاطفی، روحی و فکری خود را با یکدیگر بسیار نزدیک حس می‌کنند.
- ۴- هدف و آرمان مشترک دارند و برای رسیدن با آن همکاری می‌نمایند.

### بررسی کنید

تعدادی از افراد را در نظر بگیرید که در یک میدان ورزشی جمع شده اند تا بازی فوتبال را ببینند.

آیا به نظر شما این افراد گروه خوانده می‌شوند، در حالیکه آن‌ها خواهان تماشای بازی فوتبال هستند؟

آیا خصوصیاتی که برای گروه گفته شده در این جمع دیده می‌شود؟  
شما با افراد زیادی روابط و عمل متقابل دارید. علاوه بر گروه دوستان، گروه خانواده، گروه همسالان که به نام گروه‌های نخستین نیز یاد می‌شوند، با دیگران هم روابطی دارید؛ به طور مثال:

افرادی که در یک میدان ورزشی برای تماشای فوتبال می‌روند، ممکن است یکجا با دیگران تیم مورد علاقه خود را تشویق نمایند و یا نظر فرد پهلوی خود را در باره بازی فوتبال بپرسند و یا نظر خود را نیز به او بگویید؛ اما، خصوصیت‌ها و فعالیت‌های مشترک مسافران یک ملی‌بس یا مردمی که در صفت نانوایی ایستاده اند و یا افرادی که در یک میدان ورزشی برای تماشای فوتبال می‌روند بسیار محدود و روابط متقابل آن‌ها نیز بی‌دوم است؛ بنابر این به عده‌یی از افراد که در محل مشخصی، بر اثر بروز حادثه یا علت معینی گردهم می‌آیند و از لحاظ نوع روابط اجتماعی، ابتدایی‌ترین و ناپایدارترین گروه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. ارتباط بین این افراد موقت و ناپایدار بوده و به آسانی هم از بین می‌رود، زیرا به محض خارج شدن از این محیط، دیگر با یکدیگر ارتباط خواهند داشت. این‌گونه تجمعات هیچ نوع شکل یا سازمان و خصوبیت‌های مشترکی که یک گروه باید داشته باشد، با هم ندارند. این گروه‌ها را گروه‌های دومین نیز می‌گویند.

### ازدحام (تراکم)

به تصویر صفحه با دقت نگاه کنید و بگویید که در این عکس چه را می‌بینید؟

در این عکس تعدادی از مردم را می‌بینید که در مقابل نانوایی در صفت ایستاده اند و منتظر خرید نان استند. ویژه‌گی‌های مشترک افرادی که در



صف نانوایی ایستاده اند، این است که آن‌ها برای مدت کوتاهی در کنار یکدیگر استند. تفاوت اساسی در میان گروه اعضای خانواده، بوستان و هم صنفی‌ها با گروه کسانی که در یک نانوایی و دریک ملی بس و یا در یک میدان استند وجود دارد. روابط متقابل گروه اول موقعی و ناپایدار است. آن‌ها ویژگی‌ها و فعالیت‌های مشخصی ندارند و بدون تشکیل اند که از هیچ‌گونه تقسیم کار و سلسله مراتبی برخوردار نیستند و به محض خارج شدن از این محیط دیگر با یکدیگر ارتباط نخواهند داشت.

### دستهٔ اجتماعی

دستهٔ اجتماعی یک گروه‌بندی احصایی است به این معنا که افراد به اساس خصوصیت‌های خاصی در آن اشتراک دارند؛ مانند: اشخاص دارای شغل مشابه یا سطح عاید مشابه و غیره. به مثال زیر توجه نمایید:

- در یک مکتب هر صنف دارای یک شاگرد اول نمره می‌باشد. این شاگردان با هم هیچ رابطهٔ اجتماعی ندارند؛ اما مدیر مکتب همه این شاگردان را به عنوان دستهٔ شاگردان اول نمرهٔ مکتب می‌شناسد و می‌داند که ۴۰ نفر شاگرد اول نمره دارد. مقایسهٔ گروه، ازدحام انبوه و دستهٔ اجتماعی در جدول زیر به طور مشخص نشان داده شده است.

عنوان	خصوصیات	مثال
گروه	<ul style="list-style-type: none"> <li>- خصوصیات مشترک</li> <li>- روابط متقابل یا عمل اجتماعی</li> <li>- روابط منظم و پایدار</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- خانواده</li> <li>- همسالان</li> <li>- همسایه</li> </ul>
ازدحام	<ul style="list-style-type: none"> <li>- روابط ناپایدار و گذرا</li> <li>- نداشتن روابط متقابل</li> <li>- نداشتن خصوصیات فعالیت‌های مشترک</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- افراد در صف نانوایی</li> <li>- مسافرین در سرویس</li> <li>- افراد تماشچی در میدان ورزشی</li> </ul>
دستهٔ اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- داشتن یک خصوصیت مشترک</li> <li>- اما نداشتن روابط متقابل به خاطر وجود خصوصیت مشترک</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- هم‌شغل‌ها</li> <li>- اول نمره‌ها</li> </ul>

## گروه مرجع

شما هر روز به مکتب می‌روید. علاوه بر سواد آموزی، اهداف و خواهش‌های دیگری هم دارید؛ حتماً یکی از شما با علاقه‌بیی که به معلم خود دارید، دوست دارید معلم شوید. بنابراین، تلاش می‌کنید که مانند معلمان، معلومات خود را زیاد کنید. شما سعی می‌کنید که رفتار معلمان را یاد بگیرید و رفتارها و کارهای را که معلمان، با ارزش و کار خوب می‌دانند، شما همان کار را انجام دهید. از این رو گروه معلمین برای شما، گروه مرجع می‌باشد؛ بنابراین، گروه مرجع گروهی است که فرد عضو آن نیست؛ اما آرزوی پیوستن و مشابه بودن آن را دارد.

### مروری بر درس



- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 
- 

### پرسش‌ها



- ۱ - گروه را تعریف نمایید.
- ۲ - فرق بین گروه اجتماعی و دسته چیست؟
- ۳ - آیا مردمی را که در صفحه نانوایی ایستاده اند، گروه اجتماعی گفته می‌توانیم؟
- ۴ - ازدحام (تراکم) بادسته اجتماعی چه تفاوت دارد؟

### کارخانه‌گی



هر کدام تان یک مثال در مورد، ازدحام، دسته، و گروه اجتماعی را در کتابچه‌های خود بنویسید و در صفحه بخوانید.

## تشکل گروه‌ها



### بحث نمایید

طوری که در درس گذشته خواندید، افراد در عین این که فردیت خود را حفظ می‌کنند، به عنوان عضو یک گروه خود را «ما» نیز می‌خوانند. مفهوم «ما» نشان می‌دهد که فرد خود را متعلق به یک گروه می‌داند. با نظرداشت تعریف فوق پرسش‌های زیر را جواب بدهید.

- آیا تنها با جمع شدن چند نفر به دور هم یک گروه تشکل می‌یابد؟
- تشکل گروه اجتماعی چه قسم صورت می‌گیرد؟
- تلاش افراد برای برقراری رابطه با یکدیگر، واقعیتی است که همیشه در همه جا شاهد آن هستید؛
- باز کردن سر صحبت در ملی‌بس در مسیر راه؛
- اظهار محبت به دیگران و همکاری با آنان؛

این‌ها نمونه‌های تلاش افراد برای برقراری رابطه با یکدیگر و کوشش برای پیدا کردن دوست و هم صحبت است. اما تنها با جمع شدن چند نفر به دور هم یک گروه اجتماعی تشکیل شده نمی‌تواند. تشکیل شدن ممکن است بسیار سطحی و محدود باشد. و در این حالت به سرعت از بین خواهد رفت؛ مانند افرادی که در یک بس شهری هم سفر استند آن‌ها حتاً اگر در طول سفر با هم‌دیگر خیلی صمیمی‌هم باشند با رسیدن به مقصد ارتباط آن‌ها از بین می‌رود و هر فرد راهش را می‌گیرد و می‌رود، بنابراین

هر قدر اندازه مشابهت‌ها و مشترکات بین افراد گروه، بیشتر باشد، ارتباط تشکیل شده عمیق‌تر می‌شود. به این ترتیب، تعامل طرفین با یکدیگر نیز تداوم می‌یابد، در چنین حالتی، افراد به عنوان یک گروه شناخته می‌شوند.

## فعالیت

- دوستی افراد با یکدیگر و تلاش آن‌ها برای برقراری رابطه و دوست یافتن برای چیست؟
- چرا افراد در همه دوره‌های زندگی در پی یافتن دوستانی صمیمی با برقراری رابطه اهستند؟

بعضی فلاسفه‌ها در پاسخ به این سؤال می‌گویند که انسان به گونه طبیعی یک موجود اجتماعی است؛ و این تلاش را ناشی از میل طبیعی انسان به زندگی کردن اجتماعی و تأمین احتیاجات انسانی می‌دانند؛ خواست‌ها و احتیاجات او را به برقراری روابط اجتماعی با دیگران سوق می‌دهند و موجب تداوم و حیات جامعه می‌گردد.

در حال حاضر شاید شما در چندین گروه عضویت داشته باشید؛ اما چرا به این گروه یا گروه‌ها ملحق شده اید؟ شواهد نشان می‌دهد که افراد به طور معمول به چند دلیل وارد گروه می‌شوند؛

- ۱- گروه نیازهای روانی یا اجتماعی همچو تعلق داشتن به گروه، مورد توجه قرار گرفتن در گروه و یا مورد محبت واقع شدن افراد گروه را بر آورده می‌سازد.
- ۲- افراد در گروه از احساس امنیت روانی و اجتماعی بیشتری برخوردار می‌شوند.
- ۳- انسان‌ها در گروه، انگیزه و میل بیشتری برای فعالیت از خود نشان می‌دهند.
- ۴- گروه افراد را برای رسیدن به هدف‌های که امکان حصول آن به تنها یی میسر نیست یاری می‌دهد.

۵- تعلق داشتن به گروه‌های مختلف اعضا را در اجرای وظایفی که به تنها یی قادر به انجام آن نیستند کمک می‌کند.

- ۶- اعضای گروه اکثراً علم و اطلاعاتی را برای یکدیگر فراهم می‌آورند که امکان دسترسی به آن برای فرد فرد آن‌ها وجود ندارد.  
به نظر شما خانواده چگونه و چرا تشکیل می‌گردد؟

گروه خانواده به عنوان اصلی ترین گروه اجتماعی از طریق ازدواج و تولد بقای خود را تضمین می‌کند خانواده گروهی است که اعضای آن به خاطر داشتن نسبی و سببی روابط سرمیمی، پایدار و سمحکمی باهم دارند.

### بحث نمایید

آیا می‌دانید کدام موضوعات باعث رابطه یک گروه از دوستان می‌گردد؟

گروه دوستان را درنظر بگیرید. چند نفر برای این که همسن استند، بهتر می‌توانند همدیگر را درک کنند. آن‌ها با یکدیگر صحبت و دوستی می‌کنند. کارهای خانه‌گی مكتب را انجام می‌دهند. با هم بازی می‌کنند؛ بنابراین عضویت در این گروه بطبق احساس شکل می‌گیرد و در گروه خانواده‌گی عضویت از روی عواطف صورت می‌گیرد.

گروه‌های دیگری هم وجود دارند. مثل گروه ورزشی، گروه همکاران صورت می‌گیرد، و غیره. عضویت در بعضی از گروه‌ها، آگاهانه و طبق معیارهای همان گروه صورت می‌گیرد یک شخص وقتی می‌خواهد عضو این گروه‌ها شود، به طور عموم باید یک فورمه را که درخواست عضویت گروه است، خانه‌پری کند.

۰ از افرادی که می‌خواهند در این گروه شامل گردد، امتحان گرفته می‌شود.  
۰ بعد از پذیرفتن شما به عنوان عضو گروه، با شما قرارداد امضا می‌کنند. عضویت در این گروه‌ها دوره مشخصی دارد.

پس از تمام شدن وقت عضویت، شما دیگر عضو آن گروه محسوب نمی‌شوید. بعضی از این گروه‌ها، افراد را به طور رسمی از گروه خارج می‌کنند؛ یعنی با نوشتن یک مكتوب عضویت فرد را ملغاً اعلام می‌کنند.

از آنچه در این درس خواندیم به این نتیجه می‌رسیم که: گروه خانواده به عنوان اصلی ترین گروه اجتماعی از طریق ازدواج و تولد، بقای خود را تضمین می‌کند.

هر شخص به منظور حفظ روحیه انسانی و نوع دوستی و دوری از تنها‌یی وارد گروه دوستان می‌شود. این گروه‌ها به همین ترتیب بزرگ‌تر و بیش‌تر می‌شوند.

طوری‌که یک شخص برای ادامه زندگی اجتماعی خود در چندین گروه عضویت

می‌داشته باشد؛ بنابراین ما برای ادامه هر نوع زندگی اجتماعی محتاج به عضویت در گروه می‌باشیم.

### مروری بر درس

---

---

---

---

---

### پرسش‌ها

۱- تفاوت بین گروه خانواده و گروه دوستان چیست؟

۲- نظر به کدام دلایل فرد وارد گروه می‌شود؟

۳- گروه چگونه شکل می‌گیرد، بیان دارید؟

جمله‌های زیر را مکمل سازید.

۱- ابتدایی‌ترین گروه اجتماعی را..... تشکیل مید ھد.

۲- عضویت در گروه دوستان بر طبق..... صورت می‌گیرد.

### کارخانه‌گی

آیا شما غیراز گروه خانواده، عضو کدام گروه دیگر هم هستید؟ پاسخ را در کتابچه خویش یاد داشت نموده، در صنف بخوانید.

## رهبری گروه

در درس گذشته آموختید که گروه چگونه تشکیل می‌گردد؛ اکنون با چگونه‌گی رهبری گروه آشنا خواهید شد.

### بحث کنید



- در هر گروه اجتماعی اشخاصی استند که گروه را رهبری می‌کنند:
- آیا می‌توان دلیل رهبری این اشخاص را پیدا کرد؟
- آیا گروهی که برای رسیدن به هدفی فعالیت می‌کند، بدون رهبر به هدف می‌رسد؟
- شما در فامیل خود از کی اطاعت می‌نمایید؟

مقصد ما از رهبر همان است که انگلیسی زبان‌ها لیدر می‌گویند. فردی که پشتیبانی مردم، توانایی و موقعیت یا نقش کلیدی تصمیم‌گیری را در یک گروه داشته باشد، رهبر گفته می‌شود. هرگاه شخصی به طور طبیعی با نشان دادن توانایی خود اداره امور گروه را در اختیار گرفته، به رفع نیازهای اعضای گروه بپردازد و به حال آن‌ها مفید واقع گردد و آنان را به اهداف خویش برساند. رهبر گروه است؛ مانند: رهبران دینی، رهبران احزاب سیاسی، رهبران ممالک و غیره. رهبری پدیده‌یی است که همواره در گروه به وجود می‌آید. کسی که دیگری رانه با زور و ارعاب؛ بلکه با آگاهی و رضایت خود به انجام یا انصراف از کاری وارد و در جهت رسیدن یا رد کردن هدفی به حرکت آورد، رهبر گفته می‌شود.

**چرا یک گروه به وجود رهبر ضرورت دارد؟**  
به مثال زیر توجه نمایید:

سر تیم یک گروه ورزشی می‌کوشد تا ضمن اداره بازی، کیفیت آن را نیز بالا ببرد. او مسؤولیت‌های هر فرد را به وی گوشزد می‌کند و کوشش می‌کند، تقاضاً بازی را بر طرف سازد. می‌بینیم که قبل از آغاز بازی او با اعضای تیم صحبت می‌کند و نظر آن‌ها را در مورد نحوه انجام دادن کارها می‌پرسد؛ بنابراین کار کرد رهبری، بیش از هر چیز، هماهنگ کردن اعمال اعضای گروه برای رسیدن به اهداف گروهی است.

آیا می‌دانید که رهبران گروه از چه ویژه‌گی‌های برخوردار اند؟ در حالی‌که هیچ قاعدة مشخصی وجود ندارد؛ ولی با این همه به نظر می‌رسد که رهبران خوش‌ظاهرتر از سایر اعضا تصور می‌شوند. دارای هوش بیشتر استند و خوش بیان‌تر و مصمم‌تر می‌باشند. از اعتماد به نفس فوق العاده برخوردار اند. به نظر شما یک رهبر علاوه بر موضوعات متذکره از چه ویژه‌گی‌های دیگر برخوردار است؟

منشأ رهبری، در موارد مختلف متفاوت بوده و از صفات درونی و خصوصیات فردی ناشی می‌گردد. رسیدن به رهبری، انتخابی یا انتصابی است. انتخاب امکان دارد که به وسیله یک سازمان یا به وسیله خود رهبر صورت گیرد.

**منشأ و منبع رهبر را می‌توان چنین تقسیم‌بندی کرد:**

- رهبر انتخاب شده به وسیله مردم (رهبر حزبی یا مردمی)
- رهبر انتخاب شده به وسیله یک فرد (جانشین رهبر)
- رهبر انتخاب شده به وسیله سازمان (رهبر سازمانی)
- رهبر انتخاب شده به وسیله خویش یا خود گزین

وجود رهبر در جامعه ضروراست؛ زیرا رهبر به پیروان احساس اعتماد به نفس، نیرو و توانایی زیاد می‌بخشد.

**مهم‌ترین شرایط و صفات رهبر عبارت اند از:**

- ۱- رهبر باید عادل باشد.

- ۲- رهبر باید مخلص و با تقوا باشد.
- ۳- رهبر باید مدبّر باشد. چرا که برای انجام امور مهم تدبیر و پیش‌بینی نهایت ضروری است.
- ۴- رهبر باید نظر و بینش صحیح سیاسی و اجتماعی داشته باشد.
- ۵- رهبر باید قادر به اداره امور باشد. اگر به مسئله مدیریت توجه نشود رهبر از عهده مسؤولیت رهبری بیرون شده نمی‌تواند.
- ۶- پلان و برنامه داشته باشد.
- ۷- رهبر باید شجاع باشد. رهبری که شجاع نباشد نمی‌تواند در طوفان‌ها رعیت خود را به حرکت بیاورد و نیرو دهد و حوادث را پشت سر بگذارد.
- ۸- حسن تشخیص داشته باشد.
- ۹- رهبر باید دارای تیم کاری باشد و میان آن‌ها حس همکاری و محبت را تقویت نماید.
- ۱۰- موضوع را با سرعت تشخیص کرده بتواند.
- ۱۱- در برآورده شدن تصمیم به قاطعیت عمل نماید.
- ۱۲- رهبر باید از هر گونه فساد و خیانت دور باشد.
- ۱۳- سرعت در اخذ تصامیم داشته باشد.
- ۱۴- سرعت اقدام داشته و راه رسیدن به اهداف را ادامه دهد.
- ۱۵- رهبر باید مسؤولیت شناس باشد و بداند که رهبری یک امانت عظیم به عهده‌اش است که از آن مورد باز پرس قرار می‌گیرد.
- ۱۶- انتقاد پذیر باشد.
- ۱۷- رهبر باید دارای خصوصیات منحصر به فرد باشد تا بتواند رهبری یک گروه را به دست آورد.
- صفات و شرایط دیگری را که برای رهبر مناسب می‌دانید با هم‌صنفی‌های تان بحث نمایید.  
آیا می‌دانید چند شیوه رهبری موجود است؟
- جامعه‌شناسان ضمن بررسی عمل متقابل در گروه سه شیوه رهبری را تشخیص داده‌اند.

رهبر مردمی  
رهبر خودکامه  
رهبر بی‌قید و بند

- رهبر مردمی: رهبر مردمی برای دستیابی به اهداف گروه نظرها و پیشنهادهای اعضای گروه را اساس کار خود قرار می‌دهد، تصمیم‌گیری مبنی بر توافق گروهی خواهد بود. وظیفه رهبر تشویق و یاری اعضای گروه با شرکت در بحث و مذاکره برای تعیین خط مشی کلی گروه است. تقسیم کار به خود اعضا و اگذار می‌شود و هر کس آزادانه با هر که خواسته باشد، کار می‌کند. رهبر یک عضو مسؤول گروه بوده و در انجام کارها شرکت دارد. این نوع رهبر در شرایط بحرانی موفقیت کمتر دارد؛ اما برای تضمین بقای جامعه یا گروه، نسبت به رهبری خودکامه، از مؤثریت بیشتر برخوردار است. آن‌ها در جریان تصمیم‌گیری‌های گروهی برای حق شرکت اعضای گروه ارزش قابل اند.

- رهبری خودکامه (مطلقه)

در این نوع رهبری تصمیم‌ها مربوط به فعالیت گروه توسط رهبر تعیین می‌گردد. کار هر شخص را رهبر مشخص می‌کند و او است که در تشویق و انتقاد در گروه به میل خود تصمیم می‌گیرد. در فعالیت گروهی اشتراک نمی‌کند. این نوع رهبری تعیین کننده اهداف و مقررهای رفتار اعضای گروه یا جامعه هستند. این نوع رهبری را می‌توان در اردو یا قوای مسلح، حکومت‌های دیکتاتوری، تشکیل‌های صنعتی و تجاری، خانواده‌های پدرسالار یافت.

• با نظرداشت مطالب فوق اسم پنج رهبر خودکامه را به همکاری گروه خود بیان دارید.

- رهبری بی‌قید و بند

در این شیوه، رهبر بی‌قید است و سعی اندکی در اداره و سازماندهی گروه دارد. افراد

در تعیین انجام کار به طور کامل آزاد استند؛ رفتار رهبر با همه اعضای گروه دوستانه است و به طور معمول از رفتار اعضا صفت و انتقاد نمی‌کند.

از مطالب فوق کم و بیش در باره رهبری گروه فهمیدید و آموختید که دریک گروه همکاری و احساس مسؤولیت لازم است؛ همچنین ضروری است که هر گروه برای خود رهبری داشته باشد. اعضای گروه برای انجام دادن بهتر کارهای گروهی باید از رهبر گروه پیروی کند. رهبر نیز با مشورت اعضای گروه، محیط دوستانه را برای همه فراهم می‌کند.

### مروری بر درس



### پرسش‌ها



- ۱- رهبر را تعریف نموده، با مثال واضیح سازید.
- ۲- رهبری را تعریف نموده، نمونه‌های از رهبری را بیان دارید.
- ۳- انتخاب رهبری چطور صورت می‌گیرد، مختصراً معلومات دهید؟
- ۴- مهم‌ترین صفات رهبر را بیان دارید.
- ۵- چند نوع شیوه رهبری وجود دارد، نام بگیرید.

### کارخانه‌گی



رهبر خودکامه را با رهبر مردمی مقایسه نمایید، تفاوت‌های آن‌ها را فهرست نموده در صنف بخوانید.

## خلاصه فصل دوم

- ۱- گروه عبارت از مجموعه انسان‌هایی است که دارای خصوصیات و فعالیت‌های مشترکی استند و با هم روابط نسبتاً دوامدار و منظمی دارند
- ۲- ازدحام عبارت از کثرت مردم است که روابط متقابل آن‌ها موقتی و بی‌دوام است. آن‌ها خصوصیات و فعالیت‌های مشخصی ندارند، و بعد از انجام کاری که به هدف آن جمع شده‌اند، پراکنده می‌شوند.
- ۳- دسته اجتماعی یک گروه‌بندی آماری است به این معنا که افراد به اساس خصوصیات خاصی در آن اشتراک دارند؛ مانند شغل یکسان یا سطح عاید مشابه و غیره.
- ۴- افراد به دلیلی اعضاًی گروه می‌شوند که گروه نیازهای روانی یا اجتماعی همچو عضویت داشتن به گروه، مورد توجه قرار گرفتن و یا مورد محبت واقع شدن افراد را برآورده می‌سازد.
- ۵- عضویت در گروه دوستان برطبق احساس شکل می‌گیرد. و عضویت در گروه خانواده بر طبق عواطف تشکیل می‌گردد.
- ۶- فردی که موقعیت یا نقش کلیدی تصمیم‌گیری را در یک گروه ایفا می‌کند، رهبر گفته می‌شود. هر گاه شخصی را که به طور طبیعی یا با نشان دادن توانایی خود اداره امور گروه را در اختیار گرفته، به رفع نیازهای اعضاًی گروه بپردازد و به حال آن‌ها مفید واقع گردد و آنان را به اهداف خویش برساند، رهبر گروه است.

# فصل سوم

## نهادهای اجتماعی

درین فصل درس‌های ذیل را می‌خوانید:

- نهاد اجتماعی ۱
- نهاد اجتماعی ۲
- نهاد اجتماعی ۳
- روابط متقابل نهادها

# اهداف فصل

شاگردان در پایان این فصل بتوانند:

- ۱- با اصطلاح نهاد اجتماعی و ماهیت نهاد اجتماعی آشنا شوند;
- ۲- مهمترین نهادهای اجتماعی را فهرست نموده و نهادهای اولی و دومی را توضیح داده بتوانند؛
- ۳- کارکردهای عمدۀ هر یک از نهادها را توضیح داده بتوانند.
- ۴- روابط متقابل نهادها را بشناسند.
- ۵- در بارۀ نقشی که در نهاد اجتماعی مربوطۀ خویش دارند، نظر مثبت پیدا نمایند.

## نهاد اجتماعی (۱)

### بحث کنید



در درس گذشته خواندیم که ما برای ادامه هر نوع زندگی اجتماعی محتاج به عضویت در گروه می‌باشیم. همچنان انسان به غذا، سرپناه، پوشک، کار، آموزش، امنیت، محبت و... ضرورت دارد. و برای رفع احتیاجات خود از گذشته تا امروز از شیوه‌های مختلفی استفاده کرده است. با در نظرداشت این مطلب، آیا گفته می‌توانید رفع این نیازها چطور و توسط کدام

مرجع صورت می‌گیرد؟

جوامع برای این که بتوانند به حیات خود ادامه دهند، باید احتیاجات مختلف خود را رفع کنند. در طول تاریخ برای رفع این احتیاجات روابط به وجود آمده و ادامه پیدا کرده است که به آن‌ها نهاد می‌گویند.

واژه نهاد، معادل انگلیسی (social

(Institution) که در لاتین مستقر کردن، ساختن و ثبت کردن معنا می‌دهد، است. کلمه (Institution) از ریشه یونانی (Instituter) گرفته شده که به معنای نهاد به کار رفته است؛ همچنین به معنای انتخاب کردن، جابه‌جا کردن نیز آمده است. نهاد به معنای هر جایی که افراد در آنجا به آموختن تحصیلات عالی می‌پردازند؛ نیز به کاربرده شده است. و در زبان فرانسه به نام اورگانیزم یا نوعی از سازمان اجتماعی یاد شده است.

در زبان فارسی دری نهادن مشتق شده است و به معنای مختلف؛ چون: ثبات، استحکام، سرشت، خلقت، اصل و ریشه، روش و آیین، قانون، اساس، بنیاد، قرار، سنت و غیره به کار رفته است. اگر جامعه‌یی خواهان بقا باشد، باید احتیاجات اساسی آن براورده گردد؛ مثلاً کودکان باید مورد مراقبت قرار گیرند تا رشد یابند، اطلاعات فرهنگی باید از نسلی به نسلی منتقل گردد. ارزش‌ها و قواعد اجتماعی مورد احترام قرار گیرد تا نظام اجتماعی تأمین شود. بنابراین می‌توان گفت که، نهاد اجتماعی عبارت است از روابط مستمر برای رفع یک احتیاج. هر جامعه‌یی در طول زمان اقدامات و رفتارهای منظم و پیچیده را برای برآورده ساختن احتیاجات اساسی به وجود می‌آورد، این نوع رفتارها را که برای بقای جامعه ضروری اند، نهاد اجتماعی می‌گویند. نهادها بر اثر ضرورت‌های افراد جامعه تشکل می‌یابد و دوام می‌نماید. البته این ضرورت در هر مورد و

- در هر جامعه یک نوع نیست؛ لکن واضح است که تا احتیاج نباشد، نهاد یا ارگان به وجود نمی‌آید و دوام نمی‌یابد؛ طور مثال:
- خانواده و ازدواج، نهادی است که ادامه حیات بشر به آن بسته‌گی دارد و تنظیم دهنده رفتار و روابط خانواده‌گی و ازدواج بر علاوه وظیفه تولد و پرورش کودک که موجب استمرار و بقای نوع بشر می‌گردد، وظایف متعدد دیگری از قبیل: فعالیت‌های اقتصادی، تعلیم و تربیه و اجتماعی کردن فرد را نیز برعهده دارد؛ چون:
  - ضروری بود که میراث فرهنگی گذشته‌گان به آینده‌گان منتقل شود به این منظور ارگان تعلیم و تربیه ایجاد شده است.
  - جامعه نیازمند نظم بوده و لازم است امور عمومی اش منظم گردد. بنابراین نهاد سیاسی به وجود آمده است.
  - جامعه نیاز داشته که روابط اعضا مشخص شود، بنابراین برای انجام آن، نهاد حقوقی به میان آمده است و غیره..

### مقایسه کنید

- چه تفاوتی در احتیاجات انسان‌ها می‌بینید؟
- آیا می‌دانید، در طریقه مرفوع ساختن احتیاجات انسان‌های اولیه و انسان‌های امروزی چه تفاوتی موجود است؟ طوری که گفته شد نهادها به رفع ضرورت‌های انسان‌ها به وجود می‌آید این ضرورت‌های را می‌توانیم از نظر اهمیت به دو دسته تقسیم کنیم:
- احتیاجات درجه اول: آن احتیاجات را گویند که بدون آن زندگی انسان نا ممکن می‌باشد؛ مانند: خوراک، پوشاسک، آب، محل سکونت و غیره.
- احتیاجات درجه دوم: احتیاجاتی است که با موجودیت جامعه ارتباط دارد و بدون آن زندگی در جامعه امکان ندارد؛ مانند: تعلیم، تربیه، نظم اجتماعی، سیاست دین و غیره.
- اگر ما به سیر تاریخی پیدایش انسان‌ها و جوامع انسانی نظر اندازیم با یک جریان رشد جمعیت و تقسیم کار و تفکیک بخش‌های مختلف جامعه رو به رو می‌شویم.
- مرد و زن به خاطر تکمیل شخصیت یکدیگر و تکمیل احتیاجات اجتماعی با یکدیگر ازدواج می‌کنند و در نتیجه آن تشکیل خانواده صورت می‌گیرد و خانواده صاحب فرزندان می‌گردد. این ازدواج آن‌ها به زیاد شدن انسان‌ها، افزایش نفوس و پیدایش واحدهای تجمع انسانی، قبیله، گروه و جوامع کوچک و بزرگ انجامیده است. انسان

اولیه فقط با زن و فرزندانش زنده‌گی می‌کرد. احتیاج‌های مادی را از طریق شکار، زراعت و ساختن خانه‌های ابتدایی، با وسایل ابتدایی مرفوع می‌نمود؛ اما با افزایش جمعیت و نفوس، انسان در گروه بزرگتر به کمک دیگران ضرورت پیدا می‌کند. در گروه‌های بزرگ، در بخش‌های اساسی که احتیاج‌های انسان‌ها باید برآورده می‌شد، تقسیم کار اجتماعی به وجود می‌آید؛ مثال:

- تقسیم کار در زمینه تولید و سایل شکار و زراعت و ساختن خانه.
- در مورد نحوه دفاع و حراست از منافع و مقابله با خطرهای تهاجم انسان‌ها و حیوانات.
- در مورد نحوه تعلیم فرزندان در بخش‌هایی که برای زنده‌گی آینده آن‌ها ضرورت بود وغیره. برای هر یک از بخش‌های مهم روابط اجتماعی، یک سلسله قواعد به وجود می‌آید که به مرور زمان ثبت و به تدریج تکمیل می‌شوند و به طور سازمان یافته برای رفع احتیاج‌ها در زمینه‌های مربوطه عمل می‌کنند. به طور مثال: انسان بسیار زود متوجه شد که تجارب و تعالیم که در دوران زنده‌گی خودش به دست آورده است، نباید با او یکجا به گور ببرد تا فرزندانش دوباره‌از صفر آغاز نمایند. پس به انتقال این تعالیم اقدام نمود تشخیص داد که همه موفقیت انسان‌ها و گروه‌ها به دانش‌شان وابسته است پس آن را روز به روز بیش‌تر و بهتر به طور سازمان یافته و تخصصی تعقیب نمود:
- در قالب تقسیم کار برای اطفال شخصی را به نام معلم می‌آورند که کارش فقط آموزش اطفال بود و شخص عالم را احترام می‌نمودند. بدین ترتیب به تدریج در تمام جوامع نهاد تعلیم و تعلم با قواعد مشخص پدید آمد.
- همچنین از تقسیم کار در زمینه خرید و فروش به طور تبادله جنس به جنس در بازارها و نقاط تجمع دیگر، به تدریج سیستم پولی بانکی و درنتیجه نهاد اقتصادی به وجود آمد.
- همین طور از تقسیم کار در بخش دفاع از منافع، نهاد امنیتی و نیروهای نظامی و از ساختن وسایل به تدریج صنعت پدید آمد. انسان از روزی که آغاز به زنده‌گی کردن نموده، اعمالی را از خود بروز داده و به مرور زمان یاد گرفته که چه عواملی و چه روش‌ها برای یاد گرفتن، منطقی و مفیدتر است. در نتیجه، یک سلسله رفتارهایی که برای ادامه حیات شایسته و مناسب بوده اند، به تدریج در آداب و رسومی که تشکیل

دهنده «نهادها» هستند جای گرفته است، پس از گفتار بالا می‌توان چنین نتیجه گرفت که نهاد، نظام سازمان یافته‌بی از روابط اجتماعی است که بعضی از ارزش‌های عمومی و جریان‌های مشترک را در بر می‌گیرد و برای جواب دادن به بعضی ضرورت‌های اساسی جامعه به وجود آمده است.

### مروری بر درس

- 
- 
- 

### پرسش‌ها

- ۱- طوری که خواندیم، اگر جامعه خواهان بقا و استمرار است، باید احتیاجات اساسی آن برآورده گردد. احتیاجات کدام‌ها اند؟ نام ببرید.
- ۲- کدام یک از این موارد، یک نهاد اجتماعی به شمار نمی‌آید؟
  - الف: خانواده ( )
  - ج: بانک ( )
  - ب: مکتب ( )
  - د: مجلس دوستان ( )
- ۳- انتقال میراث فرهنگی نسل گذشته به نسل آینده توسط کدام نهاد صورت می‌گیرد؟ نام بگیرید.
- ۴- جمله‌های زیر را تکمیل نمایید.

جواب برای این‌که بتوانند به حیات خود ادامه دهند باید..... مختلف خود را رفع کنند. در طول تاریخ برای رفع این احتیاجات..... به وجود آمده و ادامه پیدا کرده است که به آن‌ها نهاد می‌گویند.

### کارخانه‌گی

مکتب که یکی از تأسیسات آموزشی است. برای رفع کدام ضرورت‌ها به وجود آمده است؟ جواب این سؤال را در خانه آماده ساخته در صنف بخوانید.

## نهاد اجتماعی <۲>



### بحث کنید

شما که عضو یک خانواده هستید، برای این که در مسؤولیت زندگی نمایید، به امنیت ضرورت دارید. برای فراگیری علم، به تعلیم و تربیه ضرورت دارید. وقتی مریض می‌شوید، به تداوی ضرورت دارید، آیا انجام این همه کارها توسط یک نهاد صورت می‌گیرد؟ اگر توسط یک نهاد صورت نمی‌گیرد، نهادهای مربوطه آن‌ها را نام بگیرید.

### نهادهای درجه یک و درجه دوم

طوری‌که در درس گذشته خواندید، نهادهای اجتماعی بر اثر ضرورت‌های اجتماعی به وجود می‌آیند. که این احتیاجات جامعه به دو بخش اصلی و فرعی تقسیم می‌گردد؛ همچنان می‌توان نهادهای اجتماعی را هم به دونوع اولی و دومی تقسیم کرد، نهادهای اولی عمومی و جهانی اند و تقریباً می‌توان گفت در هر عصر و زمان و در هر جامعه‌یی وجود دارند. و دارای ثبات و دوام زیادی می‌باشند. نهادهای پنج‌گانه اولین عبارتند از: نهاد خانواده، تعلیم و تربیت، اقتصاد، سیاست و نهاد دین. نهادهای ثانوی تا زمانی که مورد ضرورت جامعه باشند، دوام پیدا می‌کند و وقتی این نیاز برآورده شد به تدریج و یا به گونه‌ی سریع از بین می‌رود. از انواع نهادهای ثانوی می‌توان به نهاد بانکداری، نهاد ساینس و تکنالوژی و نهاد طبابت اشاره کرد.

در زیر ما به توضیح هر یک از این نهادها می‌پردازیم.

### نهاد خانواده

شاگردان عزیز، هر یک شما در خانواده‌یی به دنیا آمده اید و در کانون خانواده تحت مراقبت و تعلیمات اعضای بزرگ خانواده خود تربیت یافته و با زندگی اجتماعی آشنا شده اید و به احتمال زیاد خود نیز به تشکیل خانواده مبادرت خواهید کرد. خانواده را چنین می‌توان، تعریف نمود: خانواده، گروهی از افرادی است که با مشارکت خونی به صورت مستقیم پیوند یافته، و اعضای کلان سال آن مسئولیت مراقبت از

کودکان را به عهده دارند.

خانواده اساسی‌ترین واحد اجتماعی بوده که تاریخ آن با پیدایش انسان هم‌زمان است. تشکیل خانواده و ازدواج باعث ادامه حیات نسل و بقای انسان می‌شود. در واقع تجدید نسل انسان در خانواده صورت می‌گیرد. به همین علت است که در ادیان مختلف و همه جوامع زیادترین اهمیت را برای خانواده قایل آند.

خانواده را معمولاً اساسی‌ترین نهاد جامعه به شمار می‌آورند. اهمیت این نهاد از آن جهت است که به ظاهر در عالم اسباب نقش تکثر و بقای جامعه را به عهده دارد و در همه جوامع دیده می‌شود.

خانواده‌یی انسانی تنها عهده‌دار تولید نسل نیست؛ بلکه در آن، اخلاق، پرورش شخصیت و اجتماعی کردن کودکان و داشتن انتخاب عاقلانه نیز مطرح است. در خانواده بشری قوانین دینی، اخلاقی و احساسات و عواطف عالیه برقرار است. جنبه‌های عمیق و نهان شخصیت انسان ناشی از تعلیم و تربیه در دوران کودکی است و اولین سال‌های زنده‌گی انسان در محیط خانواده می‌گذرد و در این دوران تهداب شخصیت او گذاشته می‌شود. ارزش‌ها و افعالاتی که در دوران کودکی به وسیله خانواده بر فرد تأثیر می‌گذارد در تصمیم‌گیری‌ها و جریان زنده‌گی آینده کودک اهمیت زیادی داشته که اثر آن در سرتاسر عمر باقی می‌ماند.

### نهاد تعلیم و تربیت

نهاد تعلیم و تربیه در برگیرنده و مرفوع کننده بخش تعلیم و تربیه می‌باشد که به خاطر رفع نیازهای تعلیم و تربیة انسان‌ها به وجود آمده است.

به نظر شما تعلیم و تربیت در زنده‌گی انسان‌ها چه اهمیت دارد؟

تعلیم و تربیه یکی از اساسی‌ترین فعالیت‌ها در تمام جوامع بشری است؛ زیرا ادامه وجود هر جامعه‌یی بسته‌گی به انتقال میراث فرهنگی به نسل آینده دارد تا آنان مطابق ارزش‌ها و قواعد جامعه تربیت شوند و بر طبق آن‌ها رفتار کنند. تعلیم و تربیه مانند سایر نهادهای اجتماعی از ساخت مشخص بر خوردار است و برای آن که بتواند وظایف و یا کارکرد خود را انجام دهد، از پلان‌ها، اصول، ضوابط و مقررات خاصی پیروی می‌کند. این نهاد سازمان و تشکیل‌های متعددی به وجود آورده است. که شامل کودکستان‌ها، مکاتب، پوهنتون‌ها، مدارس تعلیم بزرگسالان، تعلیم داخل خدمت، پوهنتون‌های خصوصی، پروگرام‌ها، میتودها و مدل‌های تدریس، پلان‌های آموزشی، تعلیمات فنی و حرفه‌یی می‌باشند. علاوه بر این، کلیه وسائل ارتباط جمعی از قبیل: رادیو، تلویزیون، کتاب، روزنامه، مجله، عکس، پوستر، اشعار، قصه‌ها، حکایت‌ها، ضرب المثل‌ها، روایات،

خلاصه هرچیزی که به نحوی در تعلیم و تربیت افراد مؤثر است نیز جزیی از نظام تعلیمی و آموزشی است. دریک کلام، تعلیم و تربیه از گهواره تا گور ادامه دارد؛ بنابراین میراث فرهنگی از نسلی به نسلی منتقل می‌شود، همواره به آن افزود گردیده و غنی‌تر می‌شود. تعلیم و تربیه تنها نهادی است که پرورش نیروی انسانی را به عهده دارد و از طریق یاد دادن و تعلیم، نقش‌ها و مهارت‌های لازم است که آن‌ها را برای زندگی در جامعه آماده می‌کند.

### نهاد اقتصادی

یکی از مهمترین و ضروری‌ترین احتياجات یک جامعه فراهم کردن احتياجات اساسی فیزیولوژیک مردم آن جامعه است. همه انسان‌ها برای زندگاندن به مصرف حداقل معین انرژی، نوشیدن آب صحی، محفوظ ماندن از خطر از نظر پوشاش و مسکن احتیاج دارند. هیچ جامعه‌یی درجهان نیست که به منابع اساسی پایان ناپذیری؛ چون: خوراک، آب، پوشاش و مواد و مصالح ساختمانی دسترسی داشته باشد. از آنجا که این منابع محدود است، هر جامعه باید شیوه‌های منظم تولید، توزیع و مصرف این منابع اساسی را به وجود آورد. به این ترتیب، هر جامعه‌یی باید یک نظام اقتصادی ایجاد کند. نهادهای اقتصادی نقش‌های تولید، توزیع، جریان و مصرف کالا را ایفا می‌کنند. احتیاج‌های اقتصادی، غذایی و مصرفی انسان‌ها را تأمین می‌کند.

### نهاد سیاسی

برای بقای گروه‌های مردمی لازم است، این گروه‌ها شیوه‌هایی را برای حفظ نظام اجتماعی به وجود آورند؛ یعنی تمامی جامعه‌ها باید اصول و قواعد را ایجاد کنند که تضمین نمایند تا همه مردم از آن اطاعت نمایند. اگر این نیاز جامعه برآورده نشود، مردم حقوق یکدیگر را نادیده گرفته تا حدی که به اغتشاش و بی‌نظمی در جامعه منتهی خواهد شد. به یقین جوامع مختلف برای ضرورت نظم اجتماعی به طریقه‌های مختلف برخورد می‌کنند. خلاصه هر جامعه دارای نظامی برای متوجه ساختن مردم به اطاعت از قوانین اجتماعی است، و این نقش را نهاد سیاسی که یکی از قدیم‌ترین نهادهای اجتماعی است ایفا می‌نماید که وظیفه ایجاد نظم را در جامعه به عهده دارد. دولت مظہر این نهاد است که سلسله مراتب قدرت خود را در جامعه توسعه می‌دهد و به تنظیم امور مردم می‌پردازد. و امنیت را در جامعه برقرار می‌سازد.

نهاد دین: نهادهای دینی با چگونه‌گی شیوه‌های اعتقادی ارتباط دارند و نیازهای

معنوی انسان را بر طرف می‌نمایند.

تعریف دین: مجموعه از راهنمایی‌های خداوند<sup>الله</sup> است که انسان آزاد را در انتخاب راه و بهترین مرزاها و حدود زنده‌گی فردی و اجتماعی، کمک می‌نماید. در هر صورت منظور از این اصطلاح روش نزدیکی به خداوند<sup>الله</sup>، در راه و قالب تعیین شده، زنده‌گی کردن، عمل کردن، اطاعت و فرمان برداری کامل از اوست. در هر دینی به طور معمول نهادهای دینی از طرف روحانیون رهبری می‌شوند این روحانیون کسانی هستند که به علوم و مناسک دینی آشنایی دارند و مومنان را از طرق مختلف؛ یعنی از طریق تعلیم احکام، عقاید و حضور در مراسم مذهبی و غیره به اجرای اوامر الهی رهنمایی می‌کنند؛ یعنی این‌که شخص باید بتواند، مراسم و فرایض مذهبی خود را طوری که در شریعت آمده است، اجرا کند و نظم خواسته شده را در بین افراد جامعه برقرار سازد.

### مروجی بر درس



### پرسش‌ها



- ۱- خانواده از کدام نوع نهادهای اجتماعی شمرده می‌شود؟
- ۲- دو مورد از مسئولیت‌های خانواده را در برابر افرادش تذکر دهید.
- ۳- نهاد اقتصادی کدام نیازهای جامعه را برآورده می‌سازد؟ سه مورد را نام ببرید.
- ۴- انتقال فرهنگی از نسلی به نسلی توسط کدام نهاد صورت می‌گیرد؟
- ۵- نقش حفظ نظم اجتماعی و متوجه ساختن مردم به اطاعت از قوانین اجتماعی را کدام نهاد ایفا می‌نماید؟
- ۶- دین کدام نیازهای انسان‌ها را بر طرف می‌نماید؟

### کارخانه‌گی



چند سطر دربارهٔ وظایف نهاد خانواده در جامعه را در کتابچه‌های خود یادداشت نموده، در صنف بخوانید.

## نهاد اجتماعی <۳>



### بحث نمایید

رفتارهای اجتماعی مختلف مانند: رفتارهای نیک و شایسته، احترام به عقاید جامعه و احترام به بزرگان؛ همچنان رفتارهای ناشایسته چون: دزدی و غیره در یک جامعه مشاهده می‌شود. با نظرداشت این مطلب:

• آیا مرجعی وجود دارد که مشوق عملکرد ما درجهت کارهای شایسته و مانع عملکرد ما درجهت اعمال نا شایسته گردد؟

دردرس پیشتر خواندید که در هر جامعه‌یی پنج نهاد اجتماعی اصلی وجود دارند. این نهادها عبارت اند از: نهادخانواده، آموزشی، اقتصادی، سیاسی و نهاد مذهبی، که نهادهای اجتماعی برای رسیدن به هدف‌شان باید کارکردهای مختلف را انجام دهند.

در این درس راجع به کار کرد نهادهای اجتماعی اگاهی حاصل می‌نمایید:  
**کارکرد نهادهای اجتماعی**

هر نهاد اجتماعی دارای کار کرد معینی است که به نحوی در دوام و پایداری آن مؤثر واقع می‌شود؛ همچنان کارکردهای اساسی معینی وجود دارند که هر نهاد جداگانه از آنها برخوردار است. کارکردهای گسترده که در میان همه نهادها وجود دارد عبارت اند از:

• نهادها طرز رفتار اجتماعی نیک و شایسته را در موقعیت‌های مختلف، در اختیار فرد می‌گذارند. نهادها از طریق پروسه اجتماعی شدن، شیوه‌های رفتار شایسته و نا

شایسته را به افراد نشان می‌دهد؛ طورمثال: در مکتب به ما آموخته می‌شود که از قوانین مکتب پیروی کنیم، به بزرگان احترام بگذاریم، با هم صنفی‌ها همکاری داشته باشیم، از تقلب و تجاوز به حقوق دیگران پرهیز کنیم و به مقدسات دینی و آرمان‌های ملی احترام بگذاریم.

نهاد نقش‌های مختلف را برای فرد، فراهم می‌کند و رفتار و نقشی معقول و شایسته را برای انسان مشخص می‌سازد؛ یعنی شخص پیش از به عهده گرفتن یک نقش، که به طورمعمول توقع و انتظار که به آن دارد، می‌تواند در مورد مناسب‌ترین نقش برای خود تصمیم‌گیری کند.

نهادها به افراد جامعه یاد می‌دهند که بهترین شیوه رفتار، همان رفتار باثبتات، قانونی و قانونمند شده است؛ طورمثال: انسان‌ها از طریق عضویت در نهاد دینی، ارزش‌ها و عقاید باثبتات و مورد قبول جامعه را فرامی‌گیرند، شرافت و صداقت، راستکاری، دستگیری از مستمندان و وفاداری به مقررات اجتماعی را که نمونه‌هایی از شیوه‌های رفتار قانونمند به شمار می‌آیند را یاد می‌گیرند.

نهادها در جهت تنظیم و نظارت بر رفتار اجتماعی عمل می‌کنند نهادها رفتار و کردار اجتماعی را تنظیم و از آن نظارت می‌نماید؛ طورمثال: عمل دزدی برای یک آدم بی‌پول از آن جهت کار درستی نیست که از یک سو این عمل ظلم و تجاوز به حق دیگران محسوب می‌گردد و از جانب دیگر ممکن است، این کار او به دستگیری، محکومیت و مجازات زندان منجر شود. به جای نادیده گرفتن توقعات جامعه، برای او بهتر است که به مؤسسه‌های کاریابی و خیریه مراجعه کند.

هر یک از پنج نهاد یاد شده به منظور خاصی به وجود آمده و کارکردهای معین و مخصوصی را انجام می‌دهند.

**کارکرد خاص نهاد خانواده عبارت است از:**

- تنظیم و تشکیل خانواده منحیث اولین بنیاد اجتماعی؛
- پر کردن جای آدم‌های یک نسل به وسیله یک نسل دیگر از طریق تولد و تناسل؛
- مراقبت و حمایت از فرزندان، ناتوانان و سالمندان؛
- محافظت از فرد در برابر خطرهای محیطی؛

- ایجاد فرصت و امکانات برای کسب تجارت فردی؛
  - پرورش قوای روحی و اخلاقی در فرد و تشکیل شخصیت اساسی در کودک؛
  - برآورده ساختن احتیاج‌های طفل؛ مانند: غذا، پوشاسک، مسکن، احساس امنیت، محبت و غیره؛
  - ایجاد حس همبستگی با سایر افراد جامعه؛
  - ایجاد خوبیبینی نسبت به زندگانی اجتماعی امروز و فرد؛
  - اجتماعی کردن کودکان؛
  - تثییت مقام اجتماعی افراد از طریق وراثت؛
  - تامین امنیت اقتصادی برای اعضای خانواده به عنوان واحد اساسی تولید اقتصادی و مصرف.
- کارکردهای خاص نهادهای تعلیمی عبارت اند از:**
- ایجاد آماده‌گی در افراد برای قبول نقش‌های شغلی؛
  - عمل کردن به عنوان وسیله انتقال میراث فرهنگی؛
  - آشنا ساختن افراد جامعه با نقش‌های مختلف؛
  - آماده ساختن افراد برای برخی از نقش‌های اجتماعی مورد توقع؛
  - فراهم آوردن تغییر و پیشرفت در جامعه از طریق تحقیقات علمی؛
  - تقویت قدرت تطبیق و عادت افراد با ارزش‌های اجتماعی و تسهیل روابط اجتماعی.
- کارکردهای خاص نهادهای مذهبی عبارتند از:**
- کمک به افراد در پیدا کردن هویت فکری و اخلاقی؛
  - فراهم آوردن تفسیرها برای بیان محیط طبیعی و اجتماعی فرد؛
  - بالابردن روحیه اجتماعی افراد، انسجام اجتماعی و همبستگی گروهی؛
  - امید بخشیدن به افراد که خداوند ﷺ زندگی بندگان را در این جهان با مرگ خاتمه می‌بخشد؛ بلکه مرگ آغاز زندگی جاویدان و عادلانه است.
- کارکردهای خاص نهادهای اقتصادی عبارت اند از:**
- تولید کالاهای خدمات مورد ضرورت اعضای جامعه؛
  - توزیع کالا و خدمات همراه با توزیع منابع اقتصادی (کار و تجهیزات)؛
  - مصرف کالا و خدمات.

## کارکردهای خاص نهادهای سیاسی عبارتند از:

- بنیادی ساختن قواعد و مقررات از طریق اعضای مجلس مقننه؛
- اجرای قوانین تصویب شده؛
- تأمین امنیت؛
- حل و فصل مخالفتهای موجود در میان اعضای جامعه؛
- برقراری خدماتی چون: مراقبت‌های صحی، تعلیم، رفاه و نظایر آن؛
- حمایت اتباع کشور در برابر حملات ممالک بیگانه و حفظ هوشیاری ملت در برابر تهدیدهای خارجی.

### مروری بر درس



### پرسش‌ها

- ۱- اجتماعی کردن کودکان، وظیفه کدام نهاد اجتماعی است؟
- ۲- فراهم‌آوری تغییر و پیشرفت در جامعه از طریق تحقیقات علمی وظیفه کدام نهاد اجتماعی می‌باشد؟
- ۳- حل و فصل مخالفتهای موجود در میان اعضای جامعه، وظیفه کدام یکی از نهادهای اجتماعی می‌باشد؟ جواب درست را نشانی نمایید.  
الف) نهاد خانواده ب) نهاد دین ج) نهاد سیاست د) نهاد اقتصاد

### کارخانه‌گی



شما به کدام هدف شامل مکتب شده اید؟ دلایل خویش را فهرست نموده، در صنف بخوانید.



### بحث نمایید

در گذشته آموختید که در یک جامعه نهادها در انجام وظایف خود، به یکدیگر وابسته اند و در بین آن‌ها بیشتر روابط دوامدار برقرار است. کار هر یک از نهادها مکمل کار نهاد دیگر است. حال بگویید که:

آیا نهادها در یک جامعه می‌توانند، بدون هماهنگی با هم روابط متقابل داشته باشند و نیازها ای متعدد مردم را رفع کنند؟ چرا؟

### در این درس با روابط متقابل نهادها آشنا می‌شویم

طوری که همه نهادها یک هدف را دنبال می‌کنند و آن رفع نیازهای مردم و تحقق رفاه کامل آن‌ها است؛ بنابراین نهادها به یک دیگر وابسته اند. هیچ نهادی بدون ارتباط با دیگر نهادها نمی‌تواند، به حیات خود ادامه دهد؛ زیرا کارکردهای پنج نهاد بنیادی که در درس قبلی خواندید، بسیار با هم وابسته اند، به طور مثال: میزان ازدواج و ثبات خا نواده بر رشد جامعه اثر می‌گذارد و رشد جمعیت بر تعلیم و تربیت و اقتصاد مؤثر واقع می‌شود.

برای آن که جامعه کار کرد مؤثری داشته باشد، نهادهای بنیادی آن باید کارکرد مؤثر داشته باشد. توازن متناسب و ظریفی باید میان نهادهای خانواده‌گی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی، و آموزشی برقرار باشد.

می‌دانیم که یک ماشین زمانی به خوبی کار می‌کند که میان اجزای آن هماهنگی و نظم وجود داشته باشد. یک جامعه نیز زمانی می‌تواند، به راحتی به مسیر خود ادامه دهد و

به هدف‌های خویش دست یابد که همه نهادها به طور هماهنگ و یکپارچه عمل کنند. به نظر شما، چه وقت می‌توانیم بگوییم، در جامعه نظم و هماهنگی برقرار است؟ فرض کنید که می‌خواهید به تماشای یک مسابقه فوتبال بروید. برای این منظور اول باید خود را به میدان ورزشی برسانید. اگر:

- را ننده قوانین و مقررات ترافیکی را مراعات کند.
- اداره ترافیک به وظایف خود به درستی عمل نماید تا را ننده در سرک‌های شهر به درستی تردد کنند.
- شارووالی کار خود را به خوبی انجام دهد تا در سرک‌ها برای را ننده‌گان مشکلی به وجود نیاید
- شما می‌توانید به راحتی به میدان ورزشی برسید؛ همچنان تکت دخول اخذ کنید، در جای خود بنشینید، مسابقه را تماشا کنید و بعد به آسانی از ستديوم خارج شده و با وسیله نقلیه به خانه برگردید. همان‌طوری که دیدید در برگزاری یک مسابقه، نهادهای مختلف دست اندر کار و همکار هستند. این نهادها هنگام انجام وظایف خود باید به طور هماهنگ با نهادهای دیگر در ارتباط باشند. تا یک مسابقه به خوبی برگزار گردد. از سوی دیگر، از آنجا که نهادها باهم ارتباط و پیوند نزدیکی دارند به تقویت و تأیید یکدیگر تمایل دارند تا بتوانند همه در جامعه، مؤثر باشند، هرگاه در یک نهاد تغییرهایی به وقوع بپیوندد، به طور معمول تغییرهای منطبق بر آن، در نهادهای دیگر نیز رخ خواهد داد. از این جهت، زمان‌که نهادی بعضی از کارکردهایش را از دست می‌دهد، یا کارکردهای تازه‌یی به دست می‌آورد، لازم است، تغییرات درونی نیز در آن نهاد به وجود آید تا آن نهاد بتواند کار نوی را انجام بدهد.

**فعالیت:** به نظر شما اگر آرمان یک جامعه، شکوفایی اقتصاد آن جامعه باشد. آیا نهاد اقتصادی به تنها‌یی می‌تواند، جامعه مذکور را به این هدف برساند؟ در این باره گفتگو کنید.

احتیاجاتی که نهادها بر اساس آن به وجود آمده، جزیی از احتیاجات نظام اجتماعی کل است. احتیاجات که یک مکتب بر اساس آن به وجود آمده، جزیی همان احتیاجاتی است که نهاد تعلیم و تربیه به اساس آن شکل گرفته است. بنابر این، همه نهادها به صورت عموم احتیاجات اجتماعی را دنبال می‌کنند؛ پس گفته می‌توانیم، وقتی که آرمان جامعه، رسیدن به بیشترین حد رشد اقتصادی باشد، باید تمام نهادهای اجتماعی متناسب با این هدف عمل نمایند، یعنی:

- در نهاد تعلیمی باید انضباط، کار زیاد، توقع کم و قانع بودن، رعایت سلسله مراتب، تلاش روز افزون برای افزایش مهارت‌ها و دانستنی‌ها به شاگردان آموخته شود.
- وسایل ارتباط جمعی به پخش فیلم‌ها و بر نامه‌های مفید و آموزنده بپردازند.
- نهاد اداری طوری سازمان یابد که تنها افراد پرکار، اهل کار و منظم بتوانند در آن کار کنند.
- در نهاد سیاسی، سیاست مداران زنده‌گی ساده و بی آلایشی داشته باشند پروگرام‌هایی که برای اداره کشور تدوین می‌شود، همه با این هدف تنظیم شده باشند
- نهاد اقتصادی در تولید و توزیع متناسب با این هدف عمل کند. در چنین شرایطی، این جامعه می‌تواند هدف خود، یعنی رسیدن به بیشترین حد رشد اقتصادی را تحقق بخشد.

### مروری بر درس

---



---



---



---



---



---

### پرسش‌ها

- ۱- آیا یک نهاد اجتماعی به تنها یی و بدون ارتباط به دیگر نهادها می‌تواند، نیازهای مختلف جامعه را رفع نماید؟
- ۲- آیا رکود اقتصادی در یک کشور صرف بالای نهاد اقتصادی تأثیر می‌گذارد و یا نهادهای دیگر اجتماعی نیز از آن ضرر می‌بینند؟
- ۳- اگر دریکی از نهادها تغییراتی به و قوع بپیوندد، آیا در نهادهای دیگر نیز تغییراتی رخ خواهد داد؟
- ۴- چند مورد از رابطه بین نهادهای اقتصادی و آموزشی را بیان دارید.

### کارخانه‌گی

در صورتی که بخواهید توسط طیاره به یکی از ولایات کشور سفر نمایید، برای انجام این سفر باید با کدام نهادها در تماس شوید؟ جواب سؤال را در کتابچه‌های خویش نوشته کرده، در مقابل صنف آن را بخوانید.

## خلاصه فصل

- هر جامعه برای اینکه بتواند، ادامه حیات دهد باید احتیاجات مختلف آن مرفوع و بر طرف شود. در طول تاریخ برای رفع این احتیاجات نهادهای خاص به وجود آمده و ادامه پیدا کرده است که به آن‌ها نهاد می‌گویند.
- می‌توان نهادهای اجتماعی را به دو نوع اولی و ثانوی تقسیم کرد، نهادهای نخستین عمومی و جهانی اند و تقریباً می‌توان گفت: در هر عصر و زمانی و در هر جامعه وجود دارند. و دارای ثبات و دوام زیادی می‌باشند. نهادهای پنج‌گانه نخستین عبارتند از: نهاد خانواده، تعلیم و تربیت، اقتصاد، سیاست و نهاد دین.
- نهادهای دومی تا زمانی‌که مورد نیاز جامعه باشند، دوام می‌آورند و وقتی این نیاز برآورده شد، به تدریج و یا به سرعت از بین میرود. از انواع نهادهای ثانوی می‌توان به نهاد بانکداری، نهاد علم و تکنالوژی، نهاد تداوی و صحت اشاره کرد.
- خانواده، گروهی از افرادی است که با ارتباطات شریک خونی به صورت مستقیم پیوند یافته، و اعضای بزرگ‌سالان مسؤولیت مراقبت از کودکان را به عهده دارند.
- تعلیم و تربیه تنها نهادی است که پرورش نیروی انسان ماهر و متخصص را به عهده دارد و از طریق آموختن نقش‌ها و مهارت‌های لازم است که آن‌ها را برای زندگی در جامعه آماده می‌کند.
- هر جامعه‌یی باید یک نظام اقتصادی ایجاد کند تا نیازهای اقتصادی، غذایی و مصارف انسان را تأمین کند.
- هر جامعه دارای نظامی برای متوجه ساختن مردم به اطاعت از قوانین اجتماعی است و این نقش را نهاد سیاسی که یکی از قدیم‌ترین نهادهای اجتماعی است ایفا می‌نماید که وظیفه ایجاد نظم را در جامعه به عهده دارد و دولت مظهر این نهاد است.
- می‌دانیم که یک موتر زمانی به خوبی کار می‌کند که در بین همه پرزه‌های آن هماهنگی و نظم وجود داشته باشد. یک جامعه نیز زمانی می‌تواند، به آرامی به مسیر خود ادامه دهد و به هدف‌هایی خویش دست پیدا کند که همه نهادها به طور هماهنگ و یکپارچه عمل کنند.

# فصل چهارم

## توسعه

درین فصل درس‌های زیر را می‌خوانید:

- ۱- توسعه چیست؟
- ۲- توسعه فرهنگی
- ۳- توسعه اجتماعی\_سیاسی
- ۴- توسعه اقتصادی
- ۵- عوامل توسعه و عقب مانده‌گی
- ۶- توسعه و محیط زیست

# اهداف فصل

شاگردان بعد از مطالعه این فصل بتوانند:

- مفهوم توسعه را می‌دانند.
- شاخص‌های توسعه را می‌سنجانند.
- راجع به توسعه فرهنگی معلومات به دست می‌آورید
- راجع به توسعه اجتماعی و سیاسی آگاهی حاصل می‌کنند
- از توسعه اقتصادی و شاخص‌های آن آگاه می‌شوند
- توانایی تحلیل، علت و عوامل توسعه و عقب مانده‌گی را کسب می‌کنند
- ارتباط توسعه و محیط زیست را درک می‌نمایند
- به پاک نگهداشتن محیط زیست علاقه‌مند می‌شوند

## توسعه چیست؟



در فصل گذشته خواندید که هر جامعه برای اینکه بتواند به حیات خود ادامه دهد باید احتیاجات مختلف آن تأمین و بر طرف شود. در طول تاریخ برای رفع این نیازها گروههای خاصی به وجود آمده و ادامه پیدا کرده است که به آن‌ها نهاد می‌گویند. در این فصل توسعه را که رسیدن به این هدف آرزو و آرمان هر جامعه و هر ملت است، خواهیم شناخت.

### بحث نمایید

شما اصطلاح، (توسعه، رشد و صنعتی شدن) را در زندگی خویش زیاد شنیده اید. و به آن آشنا هستید، حال بگویید که:

توسعه چه مفهوم دارد؟ توسعه یافته‌گی به چه وضعیت و شرایطی اطلاق می‌شود؟ توسعه، یک هدف آرمانی برای اکثر کشورها است. همه کشورهای عقب‌مانده تمايل دارند بر ظرفیت و توان مادی، انسانی و معنوی خود بیفزایند و از نگاه تکامل ظرفیت‌ها و توانایی‌های انسانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اداری یک دولت قدرتمند باشند. داشتن انسان‌های سالم، متخصص، با تدبیر و فعل به همراهی دایرہ وسیعی از صنایع زیر بنایی، راههای ارتباطی و مراسلات پیشرفت، بندرها و وسایل حمل و نقل مجهز و امکان‌های صحی و آموزش نوین هم سطح جهان صنعتی و نظایر آن، هدف مطلوب و آرمانی برای کشورهای در حال توسعه است.

آیا می‌دانید، فرق بین توسعه، رشد و صنعتی شدن چیست؟

دو اصطلاح رشد و توسعه بیشتر به یک معنا به کار برده می‌شوند، که درست نیست. رشد: مفهوم یک جانبه دارد و منظور از آن افزایش کمی (اندازه) ثروت در جامعه است و به طور معمول با شاخص‌های چون: درآمد سرانه سنجیده می‌شود؛ اما توسعه

چنان‌چه بعد به آن اشاره خواهد شد علاوه بر ازدیاد کمی ثروت جامعه، تغییر کیفی نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد.

**صنعتی شدن:** به معنای ثمر دوامدار و در حال افزایش است که از نیروی کار با استفاده از (کشفيات) تехنيکي و سازمان منظم کار به دست می‌آيد؛ بنابراین صنعتی شدن جنبه‌یی از توسعه اقتصادی است و توسعه اقتصادی نیز بر بنیاد عوامل اقتصادی که به منظور افزایش درآمد ملی و بالا بردن سطح زندگی از آن استفاده می‌گردد استوار می‌باشد که در نتیجه سبب بهبود زندگی و رفاه عمومی مردم می‌گردد.

### معنای اصلی توسعه

توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفت‌تر شدن، قدرتمندشدن و حتاً بزرگتر شدن است؛ همچنان توسعه به معنای وسعت دادن نیز می‌باشد. به همین طور توسعه در لغت به معنای خروج از (لفاف) و پوشیده‌گی است و از نظر نوسازی (لفاف) همان جامعه (بسته) فرهنگی و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای مدرن شدن باید از اين مرحله بسته خارج شوند.

ادبيات توسعه بعد از جنگ جهانی دوم در جهان مطرح و مورد تکامل قرار گرفت. دانشمندان و جامعه‌شناسان توسعه را به طور معمول بر حسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی، دور شدن از (عقب مانده‌گی)، یعنی رهایی از چنگال فقر، بیکاری و کاهش نابرابری، صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات، ايجاد نظام اجتماعی که بر اساس عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاست جاری استوار باشد، نیز تعریف می‌کنند.

همچنان در رابطه با توسعه، صاحب‌نظران در این رشتہ، مطالبی را در کتاب‌ها و مقاله‌های خود بیان داشته‌اند و توسعه را گذار جامعه از حالتی به حالت بهتر یا حرکت جامعه از وضعیت قبلی به وضعیتی بهتر و مطلوب‌تر خوانده‌اند که این حرکت خود اصول و معیارهایی را می‌طلبد. از جمله برای حرکت صحیح و به هدف رسیدن، اولین چیزی که لازم است، شناخت است و بعد هم برنامه داشتن است. این برنامه و اهداف باید در قالبی درست؛ سازماندهی شده باشد و خلاصه مطلب اين که برای گذار از جامعه‌یی به جامعه مطلوب‌تر ملاک و شاخص‌های ذيل ضرورت است:

- ۱- رهبران جامعه، فاسد و خودکامه نباشند؛ چرا که در صورت مستبد بودن، حرکتی صورت نخواهد پذیرفت.
- ۲- انسان‌ها، خود باخته‌گی و وا بسته‌گی فکری و تقليدي نداشته باشند.
- ۳- تربیت انسان.

توسعه علاوه بر اين‌که بهبود سطح تولید و عايد را در بر دارد، شامل تغييرات اساسی

در ساختارهای نهادی، اجتماعی- اداری و همچنین افکار و نظریه‌های عمومی مردم است. توسعه در بسیاری از موارد، حتا عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می‌گیرد.

## فکر کنید و جواب بدید

توسعه یافته گی به چه وضعیت و شرایطی اطلاق می‌شود؟ و دارای کدام جنبه‌ها است؟ جواب این سؤال‌ها را در مبحث خصوصیات توسعه و جنبه‌های آن دریافت می‌توانید.

### خصوصیات توسعه

توسعه در یک تحلیل ساده و درکلیه جوامع، به وضعیتی گفته می‌شود که حد اقل، سه هدف یا شرط را تحقق بخشد.

**اولین هدف:** امکان دسترسی بیشتر به کالاهای خدماتی که به ادامه حیات انسان‌ها ضروری است؛ مانند: غذا، مسکن و پوشاسک. در این جهت نه فقط افزایش کمیت این کالاهای در نظر است؛ بلکه توزیع وسیع و افزون‌تر بین فرد فرد جامعه نیز باید تأمین شود.  
**دومین هدف:** افزایش سطح و معیارهای زندگی و مستقید شدن انسان‌ها از امکان‌ها و نعمت‌های مادی است. عایدهای بلند، تداوی مطلوب، آموزش باکیفیت، تأمین امنیت بیشتر و توجه به ارزش‌های فرهنگی و انسانی را که به پیشرفت زندگی مادی کمک می‌کند؛ بلکه احترام و عزت نفس بیشتر را هم در سطح فردی و هم در سطح ملی به وجود می‌آورد.  
**سومین هدف:** که ما هیت کاملاً کیفی است، عبارت است از گسترش دامنه برگزیدن و انتخاب افراد و ملل در زندگی، ارتقای حقوق مدنی افراد، آزادی فکر و بیان، برابری در مقابل قانون، رفع تبعیض‌ها، رهایی از هر نوع قید و بندهای وابسته‌گی و برده‌گی و مواردی از این قبیل.

### ابعاد توسعه

توسعه را باید جریانی چند جانبی و پروسه مرکب و پیچیده تلقی نمود، این جریان وقتی تحقق می‌یابد و عملی می‌شود که در ساختار اجتماعی، طرز فکر عامه مردم و نهادهای ملی تحقیقات لازم صورت گیرد و در پهلوی آن به رشد اقتصادی سرعت داده شده، نابرابری‌ها کاهش یافته و فقر مطلق ریشه‌کن گردد.

این پروسه نه تنها به افزایاد و گسترش تولید توجه می‌کند؛ بلکه بهبود و کیفیت تولید را نیز در نظر دارد. توسعه به مثابه پدیده اجتماعی چنین تلقی می‌شود که جریانی از رشد اقتصادی است و در ساحة مطالعات اقتصادی قرار دارد؛ اما مطالعه‌های بیشتر در باره توسعه اجتماعی،

سیاسی نشان داد که رشد اقتصادی تنها یک جنبه توسعه است و جنبه‌های توسعه، علاوه بر بهبود وضع اقتصادی و ترقی سطح تکنالوژی و افزایش ثروت ملی، می‌شود که تغییرات اساسی کیفی در ساختار اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و کیفیت نیروی انسانی را نیز پیدید آورد. توسعه هنگامی‌همه جانبه و دوامدار است که بتواند، همه زمینه‌های زندگی را تحت پوشش قراردهد؛ بنابراین توسعه همه جانبه و پایدار جنبه‌های وسیع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تکنالوژیکی را دربرمی‌گیرد. که در درس‌های بعدی به این جنبه‌های توسعه به طور اجمالی نظر انداخته شده است.

### مروری بر درس

- 
- 
- 
- 
- 
- 

### پرسش‌ها

- اهداف توسعه چیست؟ مختصر بیان دارید.
- آیا توسعه چریانی از رشد اقتصادی است و یا این که رشد اقتصادی تنها یک جنبه توسعه است؟
- شاخص‌های گذار از جامعه به جامعه مطلوب کدام‌ها اند؟ بیان دارید.
- توسعه را تعریف نمایید.
- کشورهای در حال توسعه کدام اهداف را پیش ببرند تا به سطح ممالک توسعه یافته برسند؟
- عاید سرانه چیست؟
- تولید ناخالص ملی چیست؟

### کارخانه‌گی

در منطقه که زندگی می‌نمایید چند مورد از آثار توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را یادداشت نموده، در صنف بخوانید.

## توسعه فرهنگی



در درس گذشته خواندیم که توسعه همه جانبه و دوامدار ابعاد گستردگی و وسیع اقتصادی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تکالوژیکی دارد. در این درس توسعه فرهنگی را می‌خوانید.

### فکر کنید و جواب بدهید

- سؤالات زیر را به دقت خوانده و در باره آن بحث کنید. به نظر شما، معنای توسعه فرهنگی چیست؟ و چرا گفته می‌شود که اساس و پایه اصلی توسعه حقیقی و پایدار توسعه فرهنگی است؟
- توسعه فرهنگی در توسعه ملی یک کشور چه نقشی را ایفا می‌نماید؟

اکنون نظر بیشتر بر این است که اساس هر نوع توسعه، توسعه فرهنگی است. و از جایی که هدف اصلی دولتها رسیدن به توسعه همه جانبه است و اساس گذار این توسعه انسان(موجود فرهنگی) می‌باشد؛ بنابر این زیربنای توسعه حقیقی و پایدار نیز توسعه فرهنگی خواهد بود. فرهنگ تهداب جامعه را پی‌ریزی می‌کند و هر جامعه‌یی هر اندازه که نو باشد، دوام و بقای آن وابسته بر اصول فرهنگی است که هویت جامعه و افراد آن را می‌سازد؛ بنابراین رکن هویت بخش در هر جامعه سابقه ذخیره و آثار و غنای فرهنگی آن است. با توجه به این امر و تأکید بر این نکته سیاستمداران و مسؤولان یک کشور باید

فرهنگ را از ارکان اساسی جامعه محسوب و مقام به خصوصی برای آن در تدوین و تعیین اهداف و سیاست‌های وسیع و دراز مدت کشور قابل شوند. فرهنگ هر جامعه سطح ترقی تکنالوژی، تولید، آموزش، ساینس، خبر و ادبیات دوره خاصی از تحول اجتماعی را نشان می‌دهد. توسعه یک ضرورت حیاتی و مبرم است، مشروط بر این‌که برای تعلیم و تربیت، مشارکت و تأمین احتیاجات اساسی انسان، به خصوص فرهنگ، زمینه‌سازی کند. با در نظر گرفتن اهمیت زیربنایی مقوله فرهنگ، سؤال اساسی این است که چگونه می‌توان و چگونه باید به امر توسعه فرهنگی پرداخت؟

مفهوم توسعه فرهنگی از مفاهیمی است که نسبت به سایر بخش‌های توسعه، چون: توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، و توسعه سیاسی از ابعاد و ارزش بیشتری برخوردار است که تأکید بیشتر بر احتیاجات غیر مادی افراد جامعه دارد. هدف نهایی هر جامعه کوشش برای نیل به رشد و توسعه است. توسعه، ارتقای دومدار کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و انسانی معنا شده است. اگر تحقق توسعه ملی را آرمان نهایی توسعه در کشور در نظر بگیریم، توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی و توسعه فرهنگی اساس و پایه‌های اصلی توسعه به حساب می‌آید. در این میان نقش توسعه فرهنگی حساس و پر رنگ می‌باشد؛ زیرا هیچ تحول و تغییر اجتماعی و سیاسی بدون زمینه‌ها و بسترهای مناسب فرهنگی امکان‌پذیر نیست. توسعه به حفظ محصول و دستاوردهای فرهنگی منطقه‌یی و ملی ضرورت تام دارد، چرا که دستاوردهای فرهنگی مطمین‌ترین ضامن توسعه مستقل است، هویت فرهنگی را تقویت می‌کند و قوه نوآوری و آگاهی مردم را نسبت به میراث فرهنگی افزایش می‌دهد. بنابراین نمی‌توان، فرهنگ را بعد فرعی یا تزیینی توسعه تلقی کرد؛ بلکه فرهنگ عنصر ضروری جامعه بوده و در رابطه کلی با توسعه، نیروی درونی جامعه محسوب می‌شود.

## دلیل بیاورید

به نظر شما نقش افراد در عقب‌مانی و یا پیشرفت و ترقی جامعه چیست؟

جامعه‌یی غیرفعال، عقب مانده از وجود افراد عقب مانده، غیرفعال در درون آن جامعه حکایت می‌کند و جامعه سیال، متفرقی و فعال، فعال بودن، تحرک و هوشیاری افراد خویش را به اثبات می‌رساند. دقیقاً به همین خاطر است که می‌گویند، انحطاط یک جامعه از انحطاط افراد آن آغاز می‌شود، همان طوری‌که سیاست حرکت جامعه نیز محصول تحرک و تلاش افراد آن جامعه است. پس سؤالی در اینجا مطرح می‌شود که: چرا و چگونه یک جامعه به انحطاط می‌گراید؟ یا به عبارت دیگر، عوامل انحطاط جوامع چیست؟

انسان در طول تاریخ بیشتر از هر زمان بالاترین تکنالوژی را در دسترس داشته و استفاده می‌نماید.

قابل توجه این است، که در جریان استفاده از این تکنالوژی باید تبادل و درک ارزش‌های فرهنگی بشری در نظر گرفته شود. در صورت عدم درک این ارزش‌ها جامعه فاقد هویت بوده و به سوی انحطاط خواهد رفت. چنین است که میراث‌های فرهنگی، تاریخی و طبیعی همه‌جوامع اکنون منحیث سرچشم‌های ارزش‌های فرهنگی و دست آوردهای معنوی مردمان جهان قرار گرفته و حفظ و نگهداری از آن‌ها از وظایف و حقوق مسلم و جدی هر انسان متمدن است.

افغانستان به عنوان یک سر زمینی که دارای پنج هزار سال سابقه درخشان فرهنگی است. ظرفیت‌ها و امکان‌های بزرگی را برای توسعه فرهنگی داشته و دارد؛ اما سه دهه جنگ و درگیری فرصت‌های لازم را از این کشور سلب کرد.

دولت اسلامی افغانستان، مردم، جوانان و فرد فرد این کشور مکلف هستند تا در حفظ و غنای فرهنگ و ارزش‌های والای اسلامی و ملی خویش بکوشند. فرهنگ، ارزش‌ها و عقاید اسلامی خویش را از تهاجم بیگانه‌گان محافظت نمایند.

باید به یاد داشته باشیم که در جهت توسعه فرهنگی تجربه‌های ملل مختلف جهان، به خصوص تجربه‌هایی که موفق بوده و در آن، درس‌ها و پندهای بسیاری برای ما است و هیچ وقت نمی‌توان، بی‌تفاوت از کنار آن‌ها گذشت؛ اما این نکته را نباید فراموش کرد که نسخه هیچ جامعه‌رانمی‌توان برای کشور دیگر پیش کرد؛ به این معنا که تجاربی ممکن به کشوری مفید واقع گردد، اما به کشور دیگری عواقب خوبی نداشته باشد.

### مروری بر درس



- 
- 
- 
- 
- 
- 

### پرسش‌ها



- ۱- توسعه فرهنگی را تعریف نمایید.
- ۲- نقش افراد یک جامعه در عقب‌مانی و یا پیشرفت و ترقی آن جامعه چیست؟
- ۳- ارتباط‌های اجتماعی در توسعه فرهنگی چه نقشی دارد؟
- ۴- به نظر شما، آیا در جهت توسعه فرهنگی یک کشور می‌توان از تجربه‌های ملل مختلف جهان استفاده کرد؟

### کارخانه‌گی



در باره نقش شاگردان مکتب در امر توسعه فرهنگی کشور چند سطر بنویسید.  
و در صنف بخوانید.

## توسعه اجتماعی- سیاسی



در درس گذشته در باره توسعه کم و بیش معلومات حاصل نمودید در این درس توسعه اجتماعی و سیاسی را می خوانید.

### در باره سؤالات ذیل بحث نمایید

- ۱- تفاوت بین توسعه سیاسی و توسعه اجتماعی چیست؟
- ۲- دولت در روند توسعه سیاسی چه نقش دارد؟
- ۳- علت مهاجرت مردم از ده به شهر چیست؟

### توسعه اجتماعی چیست؟

طوری که می دانید، توسعه تنها زمانی قابل دوام و استمرار است که منفعت گیرنده گان به تدریج تبدیل به صاحبان این پروسه شوند. منظور این است که پرو گرامها و پلان ها را نمی توان منحصر در ارتباط به اقتصاد مورد بحث قرار داد؛ بلکه پلان را باید همه جانبه در نظر گرفت که شامل ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز باشد. آموزش و تعلیم مهارت ها، خدمات صحی و عمومی، حفظ میراث فرهنگی، توسعه در حال ساختمان، پلانگذاری و بازسازی شهری، توسعه قریه ها، اداره آب و انرژی، اداره محیط زیست و حتا توسعه سیاست گذاری و قانون گذاری در جمله جوانب متنوعی است که باید در نظر گرفته شوند. همچنان زمینه ها و علل اجتماعی متعددی را که در جریان رشد و توسعه باید مورد توجه قرار گیرد؛ عبارت اند از:

- ۱- کمک مستقیم، فو ق العاده و سریع در جهت از میان بردن فقر مطلق که به صورت نا امید کننده، جمعیت کثیری از جهان را در بر گرفته است، می باشد.
- ۲- بر آوردن احتیاجات اساسی نظیر غذا، پوشاش، سرپناه، مواد سوخت و نیز پاسخ

به بعضی از احتیاجات اجتماعی چون: آموزش، حقوق بشر و فرا هم سازی زمینه اشتغال و ایفای نقش‌های اجتماعی و سیاستی در حیات اجتماعی، برقراری عدالت اجتماعية و رفاه در قلب این استراتژی نهفته است. به این معنا که منابع مادی یک جامعه باید در میان همه افراد جامعه به طور مساویانه توزیع شود.

این استراتژی در مورد دهکده‌ها، موارد ذیل را توصیه می‌کند:

- ۱- فراهم شدن زمین برای دهقانان فقیر و بی‌زمین؛
- ۲- تامین محصولات زراعتی با مفاد کم و یا کمک‌های بلاعوض برای خانواده‌های قریه‌ها؛
- ۳- اجرای اصلاحات اراضی.

### فکر نموده جواب بد هید

- به نظر شما کدام عوامل باعث مهاجرت مردم از دهکده‌ها به جانب شهرها می‌گردد؟
- این مهاجرت‌ها چه مشکل‌هایی را در شهر به بار می‌آورد؟

عوامل ذیل ممکن باعث مهاجرت مردم دهکده‌ها به سوی شهرها گردد:  
موجودیت سیاست‌های توسعه‌یی نادرست وضعیت پلان‌گذاری در یک کشور می‌تواند باعث مهاجرت مردم دهکده‌ها به جانب شهرها گردد.

- بیکاری؛
- محدود بودن زمین‌های زراعتی؛
- عدم برخورداری از تداوی، آموزش و مقام‌های معتبر؛
- عدم امنیت اجتماعی؛
- عدم پلان‌گذاری صحیح دولت؛
- عدم سرمایه‌گذاری در مناطق دهنشین؛

عدم برخورداری از فرصت‌ها و سیاست‌های ناعادلانه توزیع، از جمله عواملی است که منجر به مهاجرت مردم دهکده‌ها به شهرها می‌گردد. مهاجرت مردم دهکده‌ها به شهرها علاوه بر آثار نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، فشارهای روانی زیادی بر روی مهاجران باقی می‌گذارد. به جهت دور شدن از وطن خود و قرار گرفتن در محیطی جدید، مهاجران با نوعی حالت بیگانه‌گی و انزوا مواجه می‌شوند که این امر می‌تواند، زمینه‌ساز بروز انحراف‌ها و آسیب‌های اجتماعی باشد. به ویژه وجود بیکاری و فقر این امر را دامن

می‌زند. این جا سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان جلو این مهاجرت‌ها را گرفت؟ از آنجا که کلیه فعالیت‌های انسان برای تأمین احتیاجات خودش انجام می‌گیرد و مهاجرت مردم دهات به شهرها نیز به جهت امید به زندگی کردن بهتر و با کیفیت است؛ لذا لازم

است دولت‌ها و حکومت‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و پلان‌گذاری‌های خود، توجه خاصی به پروگرام ساختن منطقه‌یی داشته باشد و این هدف وقتی برآورده می‌شود که با عناصر اقليمی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیا سی هر منطقه شناخت صورت گرفته و همچنین نوع ارتباط این عناصر با عناصر خارج از منطقه و بیرونی شناخته شود، چنین مطالعه و شناخت سبب پلان‌گذاری هر چه بهتر و منطبق با احتیاجات منطقه را فراهم کرده و از ضایع شدن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، جلوگیری می‌کند.

اگر امکانات تعلیم، تداوی، کار، صحت و... در دهات فراهم گردد و ارتقای سطح کیفی زنده‌گی دهاتی همانند شهر مورد توجه قرار گیرد، مهاجرت صورت نمی‌گیرد. از جانب دیگر حمایت از تولیدات کشاورزی و مالداری و همچنین صنایع محلی و جذب بازارهای مناسب برای آن از طرف حکومت‌ها می‌تواند در دل‌بسته‌گی مردم دهات به زنده‌گی در دهات مؤثر واقع شود.

### توسعه سیاسی

توسعه سیاسی از مفاهیمی است که پس از جنگ جهانی دوم در ادبیات توسعه مطرح شده است و در ارتباط به این اصطلاح نظریات مختلفی وجود دارد. از نظر بعضی افراد توسعه سیاسی عبارت از شرایط سیاسی است که برای توسعه اقتصادی و صنعتی لازمی و اساسی شمرده می‌شود.

بنابراین، اگر شرایط سیاسی و حکومتی که برای عملی کردن و تحقق فعالیت‌های اقتصادی ایجاد گردد و نظام سیاسی به پروسه رشد و انکشاف جامعه سرعت بخشد این حالت جنبه مثبت و رشد نهادها را نشان می‌دهد؛ اما اگر نظام سیاسی نتواند این هدف را برآورده سازد در یک سیر نزولی و قهقهایی خواهد رفت. خصوصیت‌ها یا شاخص‌های مثبت توسعه سیاسی را می‌توان قرار ذیل نشان داد:

- ۱- حاکمیت دولتی یا یک پارچه‌گی کشور؛
- ۲- شکل گیری ملت یا یکپارچه‌گی ملی؛
- ۳- افزایش حق رأی و انتخابات آزاد با رای دهنده‌گان زیاد؛
- ۴- سیاسی شدن یا اشتراک حداکثر مردم در جریان‌های سیاسی؛
- ۵- شرکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها؛
- ۶- افزایش گروه‌های خود مختار؛
- ۷- آزادی مطبوعات و رشد رسانه‌های جمعی؛
- ۸- گسترش امکانات آموزشی؛
- ۹- نقش مؤثر هیأت‌های قانون‌گذاری و خدمات سازنده نماینده‌گان؛
- ۱۰- نقش سازمان‌های قدرتمند برای بررسی و رسیده‌گی به شکایت‌های مردم؛

## نقش زن در توسعه

تحقیق توسعه و انکشاف ملی یک کشور بدون تأمین حضور و نقش فعال زنان در این پروسه با مشکل موواجه می‌گردد. زنان نیم پیکرۀ جامعه بشری بوده و قادر اند، نقش خوبی را در تحقق توسعه ایفا نمایند. مشروط بر آنکه آن‌ها در چوکات عقاید، قواعد و ارزش‌های اسلامی در حال حاضر به حیث نیروی حرکۀ تاریخ وارد صحنه‌های حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شوند. زنان کلید انکشاف خانواده، جامعه و جهان اند. انکشاف آن‌ها متناسب با انکشاف عمومی است.

طوری‌که دیده می‌شود، اکثر زنان در افغانستان بی‌سواد اند و از جریان‌های انکشافی دورمی‌باشند، یقیناً که حرکت بطی این اکثریت بی‌سواد از سرعت حرکت کاروان ملی در راه توسعه و انکشاف ملی می‌کاهد؛ لذا قبل از همه باید به انکشاف زنان که تهداب‌گذاران نسل‌ها و زمینه‌سازان انکشاف، اند توجه جدی مبذول گردد.

### مروری بر درس

- 
- 
- 
- 
- 

### پرسش‌ها

- ۱- زمینه‌ها و علل اجتماعی را که در جریان رشد و توسعه باید مورد توجه قرار گیرند چیست؟
- ۲- برای این‌که منابع مادی در دهکده‌ها در بین همه افراد آن به طور مساویانه توزیع شود چه کارهای باید انجام گیرد؟
- ۳- عواملی که منجر به مهاجرت مردم دهکده‌ها به شهرها می‌گردد چیست؟
- ۴- شاخص‌های مثبت توسعه سیاسی را نام ببرید.
- ۵- نقش زنان در توسعه و انکشاف ملی یک کشور چیست؟

### کارخانه‌گی

خصوصیات و شاخص‌های توسعه سیاسی را که در درس خواندید فهرست نموده از بین این خصوصیات و شاخص‌ها مواردی را که در کشور ما تحقق یافته با علامت (بلی) و آن‌چه انجام نگردیده با علامت (نی) نشانی کنید و دلیل بیاورید.



## بحث کنید

در فصل گذشته خواندیم که توسعه وقتی همه‌جانبه و پایدار است که ابعاد گسترده و وسیع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تکنالوژیکی را دربر گیرد. توقع می‌رود از مطالب درس‌های گذشته، جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی توسعه را درک کرده باشید. در این درس می‌خواهیم جنبه اقتصادی توسعه را توضیح دهیم. با ارتباط این مطالب به سؤالات ذیل جواب بدھید:

- اگر خرج و مصرف یک خانواده نسبت به عایشان زیاد باشد، چه پیامدی خواهد داشت؟
- علل بیکاری در شهر و یا منطقه شما چیست؟
- توسعه به کدام جنبه زندگی ارتباط دارد. با جنبه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و یا همه این جنبه‌ها را در بر می‌گیرد؟

از سالیان بسیار دور، با افزایش سطح دانش و فهم بشر، کیفیت و وضعیت زندگی انسان‌ها همواره در حال بهبود و ارتقا است. بعد از انقلاب فرهنگی- اجتماعی اروپا (رنسانس) و متعاقب آن انقلاب صنعتی، پیشرفت‌های سریع کشورهای غربی آغاز گردید. تنها کشور آسیایی که تا حدی با جریان رشد قرن نوزده و اوایل قرن بیستم میلادی کشورهای غربی همراه گردید، کشور چاپان بود. بعد از رنسانس (احیا) که انقلاب فکری در اروپا رخداد، زمینه‌های فراوان پیشرفت و شکوفایی این ملل مساعد گردید؛ اما متأسفانه در همین دوران، کشورهای شرقی پروسه روبرشדי را تجربه نکرده و بعضًا سیری نزولی طی نمودند. البته گاهی حرکت‌های مقطعی و موقتی در این کشورها صورت گرفت؛ اما به علت این‌که با شرایط جامعه و فرهنگ

عومی تناسب کافی نداشت و مورد حمایت واقع نگردید، به سرعت از بین رفت. در گذشته معیار توسعه یافته‌گی کشورها، عاید سرانه بود. منظور از عاید سرانه تقسیم تولید ناچالص داخلی هر کشور است؛ اماً انتقادهایی بالای این شاخص به عمل آمد که تنها معیار ترقی و انکشاف کشورها رشد اقتصادی یا بالا بودن عاید سرانه نیست؛ زیرا اگر عاید سرانه معیار پیشرفت تلقی گردد. باید کشورهایی چون: کویت، امارات متحده عربی و قطر با داشتن عاید سرانه بالا نسبت به کشورهایی چون: آلمان، فرانسه و انگلستان پیشرفت تلقی گردد.

### توسعه اقتصادی چیست؟

رشد انکشاف که با افزایش ظرفیت‌های تولیدی و ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی توأم باشد توسعه اقتصادی است. در توسعه اقتصادی تهدابهای اقتصادی و اجتماعی جامعه دگرگون می‌شود که نتیجه چنین تغییر و تحولی در درجه:

۱. کاهش نابرابری‌های اقتصادی.
۲. تغییراتی در زمینه تولید توزیع و مصرف جامعه خواهد بود.
۳. در کنار رشد کمی (مقدار) تولید، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد.
۴. نظریات تغییر خواهد کرد.
۵. توان استفاده از منابع موجود به صورت دوامدار و متحرک افزایش یافته و هر روز نوآوری جدیدی انجام خواهد شد.

باید بین دو مفهوم رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی تمایز قابل شد. رشد اقتصادی مفهوم یک بعدی دارد و منظور از آن ازدیاد ثروت و تولید در جامعه است و به طور معمول با شاخص‌هایی چون: درآمد سرانه اندازه‌گیری می‌شود؛ بنابراین، رشد یک مفهوم کمی است. اگر در یک جامعه سطح تولید در دوره معین نسبت به دوره قبل افزایش یابد، می‌گوییم در آن جامعه رشد صورت گرفته است. این افزایش می‌تواند، ناشی از سطح محصولات زراعی، تأسیس کار خانه‌های جدید، و توسعه مراکز تولیدی فعلی و از این قبیل باشد.

توسعه اقتصادی در کنار افزايش تولید بر پدیده دیگری نیز دلالت دارد و آن را می‌توان مفهوم کیفی دانست.

هرگاه جامعه‌یی با استفاده از روش‌های بهتر و تکنالوژی مناسب ظرفیت تولیدی خود را افزایش بدهد و از منابع خوبیش به شکل بهتر استفاده کند، می‌گوییم در راه توسعه گام برداشته است.

طوری که مشاهده می‌گردد، مفهوم توسعه رشد را نیز در بر می‌گیرد؛ در واقع، استفاده بهتر از منابع و امکانات، لازم است با افزایش تولید همراه باشد؛ ولی هر افزایش تولیدی را نمی‌توان توسعه دانست؛ به طور مثال: افزایش تولید در نتیجه افزایش محصولات زراعی رشد است. و افزایش تولید ناشی از بهبود روش‌ها، کشت تخمهای اصلاح شده، استعمال ادویه ضد آفت‌های زراعی و نباتی و تکنالوژی پیشرفته توسعه اقتصادی است.

نکته دیگری که به آن باید توجه داشت، این است که نتایج به دست آمده از رشد را می‌توان در کوتاه مدت مشاهده کرد؛ اما نتایج به دست آمده از توسعه، ممکن است در زمان طولانی‌تری حاصل شود. به همین جهت گفته می‌شود که توسعه جریان دراز مدت می‌باشد.

### توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد

- ۰ اول، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه (و ریشه‌کن کردن فقر) و دوم، ایجاد شغل و کار، که هر دوی این اهداف تأمین کننده عدالت اجتماعی است. توجه به توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و کشورهای توسعه نیافته متفاوت است. در کشورهای توسعه یافته، هدف اصلی توسعه اقتصادی افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالی‌که در کشورهای عقب‌مانده، بیشتر ریشه‌کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مدنظر است.

سؤالاتی که در مورد توسعه اقتصادی یک کشور در برابر ما قرار می‌گیرد؛ مسائلی چون: فقر، نابرابری و بیکاری است که در چه سطح قرار دارد، هرگاه این مسائل از سطح بسیار بالا به سطح پایین‌تر تنزل کند؛ پس گفته می‌توانیم که کشور مذکور دوره توسعه را پشت سرگذاشته است. هر گاه دو مورد از این مشکلهای اساسی و یا هر

سه زیاد و تشدید شود، نمی‌توانیم که نتیجه کار را توسعه نام بگذاریم. گرچه درآمد سرانه دو برابر شده باشد.

در حال حاضر یکی از اهداف اصلی پروگرام‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، نابود کردن فقر و تأمین (رفاه اجتماعی) برای عموم مردم است. معنای رفاه اجتماعی ایجاد سلامتی در جسم و روح افراد جامعه، ترویج تعلیم و کاهش قانون‌شکنی‌های اجتماعی است. بنابراین رفاه اجتماعی وقتی تحقق می‌یابد که فقر از بین برود و نا برابری‌ها کاهش یابد. وقتی خواسته باشیم سطح رفاه اجتماعی یک جامعه را تعیین نماییم، لازم است تا از وضعیت فقر و تقسیم عاید در آن جامعه آگاهی یابیم؛ زیرا در جامعه که فقر کمتر و تقسیم عایدها عادلانه باشد، رفاه مردم آن جامعه بیشتر خواهد بود.

### مروری بر درس



### پرسش‌ها

- ۱- در گذشته توسعه کشورها با کدام معیارها تعیین می‌گردید؟ و امروز کدام معیارها موجود است؟
- ۲- توسعه اقتصادی را تعریف نموده و بگویید که توسعه سبب کدام تغییرها در جامعه می‌گردد؟
- ۳- اهداف توسعه اقتصادی چیست؟
- ۴- تفاوت بین توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی چیست؟
- ۵- از کدام روش‌ها استفاده شود تا جامعه در راه توسعه گام بردارد؟
- ۶- با تغییر در ساختار اقتصادی چه تغییرهایی در ساختار اجتماعی رخ می‌دهد؟

### کارخانه گی



هر یک شما در منطقه خود کارهای را که نشان دهنده رشد و کارهای را که نشان دهنده توسعه است و صورت گرفته فهرست نمایید، بعد فهرست خود را با فهرست‌های هم صنفی‌های تان مقایسه کنید.

## عوامل توسعه و عقب مانده‌گی



### مقایسه کنید

در منطقه‌شما، شاید خانوادهایی زنده‌گی می‌کنند که از نظر مادی مشکل نداشتند، و می‌کوشند زنده‌گی خود را هرچه بهتر بسازند؛ اما در پهلوی آن خانواده‌هایی اند که زنده‌گی ایشان با فقر و محرومیت همراه است، می‌دانند علت تفاوت در زنده‌گی بین این دو خانواده چیست؟

در جهان ما دو گروه از انسان‌ها زنده‌گی می‌کنند؛ دسته‌اول گروهی است که با خیال آسوده و دور از نگرانی‌های مادی برای هرچه بهتر شدن زنده‌گی خود و فرزندانشان می‌کوشند. گروه دوم انسان‌های هستند که زنده‌گی ایشان با فقر و محرومیت همراه است. این گروه که اعضای آن تعداد را به افزایشی از عموم نفوس جهان را تشکیل می‌دهند برای ادامه زنده‌گی باید با سختی‌ها و مشکلات فراوان دست و پنجه نرم کنند. به سطح کشورها، گروه اول تشکیل دهنده جوامعی هستند که در اصطلاح به آن‌ها کشورهای پیشرفته گفته می‌شود و گروه دوم کشورهای عقب مانده را تشکیل می‌دهند.

مباحث توسعه اقتصادی از قرن هفدهم و هژدهم میلادی در کشورهای اروپایی مطرح گردید. در نتیجه رشد و انکشاف صنعت و تکنالوژی در این کشورها و تصرف

نمودن بازار کشورهای ضعیف تحت استعمار، باعث شد تا در مدت کوتاه، فاصله بین دو قطب پیشرفت و عقب‌مانده عمیق شده، کشورهای پیش‌رفته (یا توسعه‌یافته) و کشورهای عقب‌مانده (یا توسعه‌نیافته) در جهان به وجود آید.  
کشورهای توسعه‌یافته کدام‌ها اند؟

طبق تعریف، کشورهای توسعه‌یافته کشورهایی اند که به طور کامل صنعتی شده و دارای سیستم‌های اقتصادی پیچیده‌یی باشند. کشورهای صنعتی شده به کشورهایی گفته می‌شود که بیش از ۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی آنان را فعالیت‌های صنعتی تشکیل دهد، در واقع محور اقتصادشان، تولیدات (و صادرات) صنعتی باشد؛ اما آن‌چه بیش‌تر حائز اهمیت است؛ داشتن درآمد سرانه زیاد (بیش‌تر از ۱۰۰۰۰ دلار Dollar در سال) می‌باشد.

کشورهای عقب‌مانده (یا توسعه‌نیافته) کدام اند؟

طوری‌که پیش‌تر گفته شد با خاموش شدن آتش جنگ جهانی دوم و به وجود آمدن نظم عمومی در جهان (به استقلال رسیدن بسیاری از کشورهای مستعمره) فاصله بین دو قطب پیشرفت و عقب‌مانده به خوبی نمایان شد و ملل مختلف جهان را با این سؤال اساسی مواجه ساخت که، چرا بعضی از مردم جهان در فقر و گرسنه‌گی مطلق به سر می‌برند و بعضی در رفاه کامل؟ از همین دوران نظریات توسعه‌یی در جهان شکل گرفت. امروز بیش‌تر به جای کشورهای جهان سوم عقب‌مانده از اصطلاح کشورهای در حال توسعه استفاده می‌شود.

### فکر نمایید و جواب بدهید

به نظر شما چرا برخی از کشورها غنی و برخی دیگر فقیر و عقب‌مانده اند؟ شاید قدمت و عمر کشورها علت فقیر و غنی شدن آن‌هاست، اما اگر قدمت، دلیل این امر است چرا مصر با بیش از سه هزار سال تاریخ، کشور فقیر و عقب‌مانده و کشورهای کانادا و امریکا که بیش‌تر از ۱۵۰ سال تاریخ ندارند، اکنون جز کشورهای

توسعه یافته و غنی محسوب می‌شوند.

اندازهٔ صنایع طبیعی و معادن قابل استحصال نیز نمی‌تواند، علت فقیر و غنی شدن کشورها باشد؛ زیرا جاپان کشوری است که بیش از ۸۰ فیصد کوه و فاقد خاک مناسب می‌باشد، با زراعت محدود با آن هم برنج مورد نیازش را تولید و مواد خام و ارزان قیمت را از ممالک فقیر وارد کرده و به صورت محصولات صنعتی و گران قیمت صادر می‌کند به طوری‌که پس از امریکا دومین قدرت اقتصادی در جهان است. سطح ذکاوت، نوع نژاد و رنگ پوست نیز نمی‌تواند، در پیشرفت و یا عقب مانده‌گی کشورها رول سازنده داشته باشد؛ زیرا با بررسی رفتارهای مقامات دیپلماتیک کشورهای فقیر و غنی تفاوت قابل توجهی در استعداد آنها مشاهده نمی‌کنیم.

**پس تفاوت در چیست؟**

بعضی از عوامل محدود کننده؛ مانند: کمبود سرمایه، کمبود نیروی انسانی متخصص و ماهر بیشتر آثار و علایم عدم توسعه است.

علاوه بر این به طور کیفی و عمومی می‌توان خصوصیت‌های مشترک کشورهای توسعه نیافته را این‌گونه دسته بندی کرد:

- ۱- پایین بودن سطح و کیفیت زندگی مردم؛
- ۲- بیکاری و کمکاری، و پایین بودن مقدار استفاده کار (و نیروی کار)؛
- ۳- وابسته‌گی زیاد به تولیدهای زراعتی و یا صادرهای مواد اولیه (منابع تولیدی)؛
- ۴- وابسته‌گی اقتصادی و آسیب‌پذیری در روابط بین‌المللی؛
- ۵- ساختار سیاسی حکومتی نا مناسب و ضعیف.
- ۶- نا برابری اجتماعی
- ۷- ضعف طبقات متوسط

بعضی از اقتصاد دانان، مسایلی از قبیل کمبود منابع طبیعی، تشکیل نشدن سرمایه و نبودن پسانداز به حد کافی و امثال آن را از علل عقب مانده‌گی کشورها می‌شمارند.

بدون شک وفور منابع طبیعی و در دسترس بودن منابع سرمایه در توسعه اقتصادی مؤثر می‌باشد، اما نکته قابل توجه این است که کشورهای آفریقایی، آمریکای جنوبی، آمریکای لاتین و آسیا از نظر منابع طبیعی و ذخایر معدنی ثروتمند‌اند؛ به طور مثال: ذخایر عظیم نفت و گاز شرق میانه یا منابع عظیم مس و سرب در آمریکای لاتین و آمریکای جنوبی و ذخایر قابل توجه نقره، طلا، و نیروی هیدرولیک در آفریقا را می‌توان نام برد. که با آن هم، آن‌ها ممالک توسعه یافته محسوب نمی‌شوند.

البته آنچه مهم است که به آن باید توجه کرد، تقسیم جهان معاصر به کشورهای صنعتی و توسعه نیافته، حاصل کمبود منابع طبیعی، توزیع غیرعادلانه منابع طبیعی و تراکم نفوس زیاد نبوده و از سوی دیگر بعضی از دانشمندان، شماری از عوامل محدود کننده را مانند: رشد نامنظم نفوس، محدودیت نیروی انسانی ماهر و کمبود امکانات مالی و سرمایه را از علل عقب مانده‌گی کشورهای در حال توسعه دانسته‌اند. امروز ثابت شده است که به همان اندازه که منابع طبیعی در توسعه اهمیت دارد، علم و تکنالوژی نیز دارای اهمیت می‌باشد؛ زیرا تکنالوژی پیشرفت‌هه می‌تواند، خود به تنها ایجاد مزیت نسبی در میان کشورها کند؛ به طور مثال: جاپان، کوریا، سنگاپور که قادر به منابع طبیعی کافی می‌باشند توانسته اند از نظر صنعتی به دستاوردهای مهمی نایل شوند در حالی که کشورهایی مانند: ارجنتین با وجود منابع غنی و سرشار طبیعی از کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

افغانستان از گذشته تا امروز از انحطاط و عقب مانده‌گی رنج برده و همیشه در جستجوی علل و عوامل رهایی از این مسئله بوده است. ضعف مدیریت و رهبری، ضعف اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، اضافه طلبی‌های بی‌مورد، اختلافات، پایین بودن سطح سواد، ضعف تربیت، تنوع اقوام و پراکنده‌گی اجتماعی، دخالت و دست درازیهای استعمارگران؛ منافع متضاد کشورهای همسایه افغانستان مهمترین عوامل

عقب مانده‌گی افغانستان را تشکیل می‌دهند.

مهمترین عامل داخلی در ساحه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی عبارتند از: جنگ‌های تحملی، بی‌سواندی و کمبود امکانات مالی و سرمایه ... عوامل خارجی که به نحوی در عقب مانده‌گی افغانستان نقش مؤثری داشته اند، کشورهای استعمارگر بوده که بر اساس منافع سیاسی و اقتصادی شان همیشه، در طول تاریخ سیاسی افغانستان، دوام جنگ و نا امنی و کشمکش را در افغانستان به منظور استقرار یک دولت ضعیف و وابسته دنبال نموده اند.

بالاخره کشورهای مهم منطقه و همسایه گان که منافع متضاد آنها موجب جنگها و نا امنی‌ها داخلی گردیده، به صورت عموم سبب انحطاط و عقب مانده گی افغانستان را فراهم نموده اند.

باید یاد آور شد که یکی از عوامل عقب‌مانی و فقر در جامعه ما عدم برخورداری اقشار محروم جامعه از مزایای فرهنگی می‌باشد زیرا:

- برخورداری اقشار محروم جامعه از نعمت‌های فرهنگی باعث رشد جامعه می‌گردد.
- در نتیجهٔ دسترسی اقشار محروم جامعه به نعمات فرهنگی، جامعه از نگاه فرهنگی غنی می‌شود.

- غنای فرهنگی روحیه نوآوری و ابتکار را در جامعه به وجود می‌آورد.
- وقتی جامعه مبتکر شود، تفکر در جامعه زنده می‌گردد.
- با زنده شدن تفکر در یک جامعه، جامعه هرگز رو به فقر گام بر نمی‌دارد. به این طریق جامعه در حل تمام مشکلات و دشواری‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارای تشخیص و شناخت درست می‌گردد.

## مروری بر درس



۱- فرق بین یک کشور توسعه یافته و یک کشور عقب مانده در چیست؟ بیان دارید.

۲- خصویت‌های مشترک کشورهای عقب مانده را بیان کنید.

۳- خصویت‌های مشترک کشورهای در حال توسعه را توضیح دهید.

۴- کدام عوامل در پیشرفت و یا عقب‌مانده‌گی یک کشور رول اساسی را بازی می‌نماید؟

۵- عامل داخلی عقب مانده‌گی کشور ما چیست؟

۶- عامل خارجی عقب مانده‌گی کشور ما چیست؟ بیان دارید.

## کارخانه گی



در منطقه که شما زنده‌گی می‌نمایید، ببینید که فقر وجود دارد و یا خیر؟ اگر وجود دارد در باره عوامل این فقر تحقیق نمایید و آن را در صنف بخوانید و با تحقیقی که هم‌صنفی‌هایتان انجام داده، مقایسه نمایید.

## توسعه و محیط زیست



### بحث کنید

به تصویر بالا نگاه کنید و بعد از مباحثه به سؤالات زیر جواب ارائه نمایید:  
آیا گاهی اتفاق افتاده است که شما از پهلوی زباله‌هایی که در کنار سرک اندخته شده است عبور کرده باشید؟ آن زمان چه احساس داشتید؟

- اگر جهت خرید به بازار رفته اید حتماً موترهای زیاد، ازدحام مردم، دکان‌ها و کراچی‌ها را دیده اید. از جمله چه چیزی را دیده اید که سبب آلودگی هوا و محیط زیست می‌گردد؟

شما در درس گذشته آموختید که توسعه را به معنای کاهش فقر و بیکاری، نابرابری و صنعتی شدن بیشتر، ارتباطات اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش شرکت مردم در امور سیاسی جاری تعریف کرده اند در این درس تعریف و ماهیت محیط زیست و تأثیر متقابل توسعه و محیط زیست را می‌خوانید.

در عصر کنونی مسأله بزرگ و عمده که سبب تشویش دولتها و حکومتها و خلاصه تمامی باشندگان جهان شده است، آلودگی محیط زیست می‌باشد.

### محیط زیست چیست؟

محیط‌هایی که در آن زنده‌گی ادامه دارد، محیط زیست نامیده می‌شود. به طور مثال: حوض آب، یک شهر، اقیانوس و دشت همه‌گی انواعی از محیط زیست به حساب می‌آیند. در محیط زیست مواد غیر زنده؛ مانند: خاک، آب، گازها و غیره یکجا با

جانداران وجود دارند. موجودات زنده بین هم و با محیط غیر زنده خود ارتباطی متقابل بر قرار می‌سازند. این ارتباط‌ها برای بقای محیط زیست بسیار لازم است. در تعریف محیط زیست آمده است: محیط زیست عبارت از فضای که با تمامی شرایط فیزیکی و بیو لوژیکی، اجتماعی و سیاسی و غیره که همه موجودات زنده در آن شامل می‌شود و مجموعه روابط آن‌ها را در بر می‌گیرد، می‌باشد. در تعریف دیگر آن آمده است: محیط زیست مجموعه اوضاع و احوال خارجی که در رشد، توسعه و بقای موجودات زنده تأثیر دارند، می‌باشد. برای درک بهتر مفهوم محیط زیست، ضرورت می‌افتد تا با منابع طبیعی و طرق استفاده از آن، آشنا شویم.

**منابع طبیعی چیست:** عبارت است از اشیایی که در طبیعت خداوند الله خلق کرده است و موجودات زنده به آن ضرورت دارند و از آن استفاده می‌کنند، منابع طبیعی یاد می‌گردد. ما برای رفع احتیاجات مادی خود به طبیعت ضرورت داریم. با استفاده از سنگ کوه‌ها برای خود خانه می‌سازیم، با استخراج انواع فلزهای از معادن برای خود لوازم و وسایل مورد ضرورت را می‌سازیم، از گیاهان و جانوران غذا و پوشاش خود را تهیه می‌کنیم؛ بنابراین منابع طبیعی به سه دسته تجدید پذیر، تجدید ناپذیر و اتمام ناپذیر تقسیم شده است.

**۱- منابع تجدید ناپذیر:** این نوع منابع، در نتیجه استفاده تدریجی و دوامدار کاهش یافته و بالاخره به اتمام می‌رسد؛ مانند: ذغال سنگ، نمک، تیل، گاز و سایر معادن.

**۲- منابع تجدید پذیر:** دسته دیگری از منابع طبیعی هستند که در صورت استفاده منطقی و معقول به اتمام نمی‌رسند؛ چون که قابل تجدید حیات هستند؛ مانند: منابع جنگل، علف‌ها ماهی وغیره.

**۳- منابع اتمام ناپذیر:** مقدار آن در طبیعت وافر می‌باشد؛ مانند: آب، هوا و انرژی. رشد و افزایش احتیاج‌های انسان‌ها در جوامع بشری از نظر نوع و کیفیت متناسب به ظرفیت منابع طبیعی نیست.

یکی از مواردی که برای اعمال مدیریت صحیح برای استفاده از منابع طبیعی باید در نظر گرفت، ظرفیت قابل تحمل زمین (Carring capacity) می‌باشد.

## ظرفیت قابل تحمل چیست؟

ظرفیت قابل تحمل به معنای تعداد نفوسی که در یک محیط زندگی می‌کنند و آن محیط زیست به طور دوامدار نیازمندی‌های آن نفوس را تأمین کرده بتواند، می‌باشد.

اگر از یک محل زیست بیش از ظرفیت و گنجایش قابل تحمل آن، استفاده نامعقول صورت گیرد و نفوس زیاد به آن افزوده شود بدون شک منابع طبیعی به آن‌ها کفايت نمی‌کند و به سرعت پایان می‌پذیرد به طوری‌که شاید قابل احیا و ترمیم نیز نباشد.

## بامهمترین موضوعات محیط زیست جهان آشنا شوید

به نظر شما چه چیزی باعث متضمر شدن طبیعت و آلودگی محیط زیست می‌گردد؟

آیا این خطرها و آسیب‌ها تنها متوجه یک کشور بوده و یا متوجه همه کشورها می‌باشد؟

پیشرفت تمدن بشری، با اکشاف تکالوژی معاصر و به اثر ازدیاد نفوس، جهان امروزی در بخش‌های زمین را به آلودگی مواجه نموده است و زندگی باشده‌گان روی زمین را با تهدید بزرگ مقابل می‌نماید. موضوعاتی که در این بخش به آن‌ها اشاره می‌شود دارای محدوده بدون سرحد می‌باشد؛ یعنی این تهدید متوجه یک کشور نبوده و مستلزم تفاهم و همکاری بین کشورها برای حل آن می‌باشد.

## عوامل آلودگی و عقاید محیط زیست

### گرم شدن جوی زمین (گازهای گلخانه‌یی)

یکی از عوامل حاد بلند رفتن درجه حرارت روی زمین، ازدیاد گازهای گلخانه‌یی و تقلیل اکسیجن در هوای تنفسی مورد ضرورت می‌باشد.

زياد شدن گاز کاربن دای اکساید، و سایر گازهای مخرب از اثر پیشرفت صنعت است که ابتدا به اثرهای ناگوار آن توجه نشده؛ اما زمانی‌که علمای پی‌بردند، ماشین آلات که توسط تیلهای وغیره روغنیات فعالیت می‌کنند، خود باعث تولید گاز کاربن دای اکساید می‌گردد. تجمع و افزایش بیش از حد این گازها در جو زمین، موجب ایجاد قشر ضخیمی از گاز می‌گردد؛ مانند: پوشش پلاستیکی گلخانه‌ها، از بازگشت حرارت اضافی که از تابش نور خورشید به وجود می‌آید از سطح زمین به فضا جلوگیری کرده، حرارت را در نزدیکی سطح زمین نگه می‌دارد؛ مانند: گلخانه باعث گرم شدن هوای زمین می‌گردد.



## ۲- کاهش قشر اوزون

دومین نگرانی عدهٔ محیط زیست، متضرر شدن قشر حفاظتی اوزون در اطراف جو زمین است. قشری که در ۲۴ کیلومتری بالای سطح زمین اطراف این سیاره را احاطه و با جذب اشعةٌ ماوراءٌ بنفس نور خورشید، زمین و موجود زندهٔ آن را از این تشعثات مضر محافظت می‌کند. گازهایی که در صنایع و در نتیجهٔ سوخت تیلها و روغنیات تولید می‌شود، تأثیر مخرب و تخربش کنندهٔ بُر ضخامت قشر اوزون داشته و حتاً موجب ایجاد شکاف در این قشر گردیده است.

## ۳- توسعهٔ صحراء و کمبود خاک مرغوب (حاصل‌خیز)

خاکهای حاصل‌خیز و مرغوب در اغلب نقاط جهان در معرض فرسایش و نابودی قرار دارند. نتایج بررسی‌های علمی نیز نشان دهندهٔ آن است که ۱۰ تا ۱۱ درصد از خاکهای حاصل‌خیز جهان به اندازه‌یی توسط زباله‌های سمی و زهری آلوده گردیده اند که احیای مجدد آن‌ها تقریباً غیر ممکن است.

## ۴- آلوده‌گی هوا و باران‌های تیزابی

باران‌های اسیدی هم یکی از اشکال آلوده‌گی هوا به شمار می‌روند. گازهایی که در نتیجهٔ سوختهای روغنیات و تیل‌ها، به وجود می‌آیند در هوا با بخار آب موجود ترکیب شده و تشکیل اسید سولفوریک و اسیدهای را می‌دهند که به همراه ابرها در فضای وسیعی از زمین حرکت کرده و هنگام تبدیل ابرها به بارش، این اسیدها به سطح زمین برگشته و موجب تخرب جنگل‌ها، پوش‌گیاهی و حتا ساختمان‌ها و بناهای ساخت دست بشر و نیز آلوده‌گی منابع آبی بالای زمین و زیرزمینی می‌گردد.

## ۵- دفع زباله‌های سمی (زهری)

در اثر فعالیت‌های صنعتی، مقادیر بسیار زیادی زبالهٔ صنعتی سمی به وجود می‌آید که غالباً به هنگام دفن، موجب انتقال آلوده‌گی به محیط زیست می‌شود.

## ۶- از بین بردن جنگل‌ها

هر چند درختان جزء منابع سیال نیستند؛ اما تخریب سریع جنگل‌ها می‌تواند به دلایل زیر تأثیرهای ژئوپلتیکی و بی‌سرحد را ایجاد نماید:

(الف) حذف پوشش جنگلی باعث فرسایش سریع خاک و آلوده‌گی دریاها و منابع آب می‌گردد.  
ب) ظرفیت جذب کاربن دای اکساید و تولید اکسیجن کاهش یافته و پدیده گرم شدن زمین تشدید می‌گردد.

## بحث کنید

به نظر شما، آیا از این همه خطرهای که بشر با آن مواجه است، می‌توان جلوگیری کرد؟ چطور؟

## مسئولیت شما در محافظت محیط زیست چیست؟

در حال حاضر توسعه پایدار، به طور گسترده در حوزه سیاست و نیز در حیطه تحقیق در سطح جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

منظور از توسعه پایدار این است که، انسان‌های امروزی باید جهت برآورده ساختن احتیاجات خود از منابع طبیعی طور معقول استفاده نمایند؛ زیرا نسل آینده نیز حق استفاده از این منابع را دارد. در این تعریف نگرانی درمورد فقر و رعایت عدالت بین نسل امروز و نسل‌های آینده از حیث دسترسی به طبیعت و منابع طبیعی نهفته است و مردم را به استفاده معقول از طبیعت و حفظ محل زیست و اقسام جانداران و موجودات وحشی تشویق می‌نمایند.

خداآند<sup>الله</sup> انسان را از خاک آفرید و در آن روح را دمید پس اصل انسان و پدیده‌های حیات انسان از زمین و خاک است و خاک قشری از زمین است. خداوند<sup>الله</sup> تمامی موجودات و مخلوقات در محیط زیست را در یک ارتباط پیچیده و ناگستاخ برای انسان آفرید و انسان را مکلف به عدم اسراف در استفاده از آن ساخت. در دین مقدس اسلام سه چیز مطلوب است.

۱- ادای شکرانه خداوند<sup>الله</sup> در برابر تمامی منابع و ثروت‌های که در شکم زمین در میان آسمان در اعماق ابحار برای انسان آفریده است.

۲- استفاده دوامدار، پایدار، سنجیده و غیر مصرفانه از تمامی منابع طبیعی که در زمین، بحر و آسمان موجود است.

۳- استفاده پاک و عاری از تمامی پلیدی‌ها، نجاست‌ها و کثافت‌ها که نظافت مطلوب شریعت و جز ایمان است. زمانی که انسان از این منابع که خداوند<sup>الله</sup> آفریده است به صورت معقول استفاده ننماید، این عمل باعث آن می‌گردد که استفاده کننده از احتیاج‌های خود زیادتر و بدون نظر داشت ضرورت دیگران استفاده کرده است که این عمل اسراف است و اسراف حرام است. به خاطر این‌که تنها ترقی و رفاه انسان امروزی مطلوب اسلام نیست؛ بلکه رفاه و ترقی انسان تا قیام قیامت مطلوب اسلام است. انسان نیازمند توسعه‌یی است که هم مردم معطوف به بهبود شرایط انسانی و هم متوجه حفاظت از محیط زیست، یعنی حفظ تنوع و قدرت تولید طبیعت باشد. که با تحقق این امر به بعضی نظریات در مورد محیط زیست و توسعه پایان داده می‌شود. نظریات که گویی این دو را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهند؛ اما حقیقت این است در صورتی که از منابع طبیعی به طور معقول و منطقی استفاده شود و با محیط زیست طوری که لازم است دل‌سوزانه برخورد شود هیچگاه توسعه باعث آلوده‌گی محیط زیست نمی‌شود. در واقع ما باید بپذیریم که این دو اصل (محیط زیست و توسعه)، دو بخش ضروری یک جریان اجتناب ناپذیر هستند تا جایی که مربوط ما می‌شود

- برای پا ک نگهداشتن محیط زیست باید کارهای زیر را انجام دهیم:
- ما باید نهال بنشانیم و سبزه بکاریم و محیط را پاک نگهداریم؛
  - آب را بی‌جا مصرف نکنیم؛
  - کثافت را در جای معین آن (کثافت دانی) نیندازیم؛
  - از درختان و پارکها مراقبت کنیم، آن‌ها را آبیاری نموده و از شکستاندن آن جلوگیری نماییم؛
  - در دریاچه‌ها و پارکها کثافت نه اندازیم؛
  - انرژی را زیاد و بی‌جا به مصرف نرسانیم؛ از تیل‌های بی‌کیفیت استفاده ننماییم.
  - اشیای قابل استفاده دوباره که باید دور انداخته شود برای اطفال کار دستی بسازیم؛
  - از خریطه‌های تکه‌بی به جای پلاستیکی استفاده کنیم در صورتی که از خریطه‌های پلاستیکی استفاده می‌نماییم بعد از استفاده آن را در کثافت‌دانی بیاندازیم؛
  - حیوانات را اذیت نکنیم؛

### مروری بر درس

- همه محیط‌هایی که در آن زنده‌گی جریان دارد محیط زیست گفته می‌شود.
- 
- 
- 

### پرسش‌ها

- ١- ظرفیت تحمل چیست؟ بیان دارید؟
- ٢- اگر از منابع طبیعی استفاده معقول‌ها صورت نگیرد، چه واقع خواهد شد؟
- ٣- منابع طبیعی تجدید ناپذیر کدام‌ها اند؟ نام ببرید.
- ٤- چرا گفته می‌شود که توسعه سبب آلودگی محیط زیست می‌شود؟ آیا این مطلب درست است؟
- ٥- آلودگی محیط زیست به طبیعت و انسان‌ها چه ضرر می‌رساند؟
- ٦- گرم شدن کره زمین (اثر گلخانه) چیست؟ بیان دارید.
- ٧- در اثر بلند رفتن گرمای زمین چه تغییراتی در اقلیم رخ می‌دهد؟ و سبب کدام حوادث روی زمین می‌گردد؟

### کار خانه‌گی

چهار مورد کارهایی را که شما می‌توانید برای پاک نگهداشتن محیط زیست انجام دهید، فهرست نموده، در صنف بخوانید.

## خلاصه فصل

- ۱- توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفت‌تر شدن، قدرتمندشدن و حتا بزرگتر شدن است؛ همچنان توسعه به معنای وسعت دادن نیز می‌باشد.
- ۲- اساس هر نوع توسعه، توسعه فرهنگی است و از جایی که هدف اصلی دولت‌ها رسیدن به توسعه همه جانبی است و اساس‌گذار این توسعه انسان (موجود فرهنگی) می‌باشد؛ بنابراین زیربنای توسعه حقیقی و پایدار نیز توسعه فرهنگی خواهد بود.
- ۳- زمینه‌ها و علل اجتماعی متعددی را که در جریان رشد و توسعه باید مورد توجه قرار گیرند؛ عبارت اند از:
  - ۱- کمک مستقیم، فواید اجتماعی و سریع در جهت از میان بردن فقر مطلق که به صورت نامید کنندگی، جمعیت کثیری از جهان را دربر گرفته است.
  - ۲- برآوردن احتیاجات اساسی نظیر غذا، پوشاس، سرپناه، مواد سوخت و نیز پاسخ به بعضی از احتیاجات اجتماعی؛ چون: آموزش، حقوق بشر و فراهم‌سازی زمینه اشتغال و ایفای نقش‌های اجتماعی و سیاسی در حیات اجتماعی، برقراری عدالت اجتماعية و رفاه.
  - ۴- رشد انسکاف که با افزایش ظرفیت‌های تولیدی و ظرفیت‌های فزیکی، انسانی و اجتماعی توأم باشد توسعه اقتصادی است.
  - ۵- همه محیط‌های که در آن زندگی جریان دارد محیط زیست نامیده می‌شود.
  - ۶- حفاظت و نگهداری محیط زیست از اثرات سؤالودگی‌ها و تغییر اقلیم وظيفة کلیه نهادها و وظيفة فرد، فرد کشور است.